

جنگ تجاری آمریکا

تهیه کننده: شرکت سبدگردان الگوریتم

آذر ۹۷



شرکت سبدگردان الگوریتم
ALGORITHM CAPITAL



شرکت سبدگردان الگوریتم
ALGORITHM CAPITAL

فهرست

۱- مقدمه	۱
۲- ترامپ به دنبال چیست؟	۶
۳- اثر تعرفه ها بر اقتصاد جهانی	۷
۳-۱- اثر تعرفه های تجاری آمریکا	۸
۳-۲- اثر بروز یک جنگ تجاری تمام عیار	۱۳
۴- اثر جنگ تجاری بر اقتصاد ایران	۱۹
۴-۱- نفت	۲۰
۴-۲- فولاد	۲۰
۴-۳- آلومینیوم	۲۱
۴-۴- سایر محصولات صادراتی	۲۱
۴-۵- طلا	۲۱
۵- جمع بندی و نتیجه گیری	۲۲
۶- مراجع	۲۴
پیوست ۱: اثر تعرفه ها بر اقتصاد جهانی	۲۶
پیوست ۲: قانون تعرفه اسموت-هاولی	۳۰
پیوست ۳: قوانین پشتیبان تعرفه	۳۷

شرکت سبذگردان الگوریتم

شرکت سبذگردان الگوریتم به عنوان یکی از نهادهای مالی زیر مجموعه گروه سرمایه گذاری خوارزمی با اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار و با هدف ارائه خدمات حرفه ای در حوزه مدیریت دارایی ها و سایر خدمات مالی تاسیس شده است. مدیریت انواع صندوق های سرمایه گذاری، طراحی و تأسیس صندوق های سرمایه گذاری با ساختارهای جدید، مدیریت سبدهای اختصاصی و ارائه خدمات مدیریت دارایی ها به صورت تخصصی و متناسب با اهداف و نیازهای منحصر به فرد گروه های مختلف مشتریان در دستور کار اصلی این شرکت قرار دارد. شرکت سبذگردان الگوریتم، مزیت اصلی خود را بهره گیری از نیروی انسانی متخصص با دانش و تسلط بر ابعاد مختلف بازار سرمایه کشور می داند و در نظر دارد که با تکیه بر توان این مدیران و تحلیلگران خبره، با ارائه خدمات نوین در حوزه مدیریت دارایی ها، نقش موثری در گسترش بازار سرمایه کشور ایفا نماید.

عنوان گزارش : جنگ تجاری آمریکا
تهیه و تدوین کننده: محمد مهدی عسگری ده آبادی ،
توفیق حسین زاده لنج آبادی
ناظران : علیرضا کنعانی - نجیبه خوشرو
صفحه آرا : بهناز حاجی الیاسی
تاریخ انتشار : آذر ۱۳۹۷
تهران - خیابان ولیعصر - خیابان بزرگمهر - پلاک ۱۶ - طبقه چهارم - واحد ۴۱۰
کد پستی : ۱۴۱۶۹۳۵۳۱۷ شماره تماس : ۰۲۱-۶۶۹۷۲۶۵۵
فکس : ۰۲۱-۶۶۹۷۲۰۲۵
www.algocm.com

چکیده

شاید تا پیش از ظهور پدیده ترامپ، کسی وقوع یک جنگ تجاری جدید را آن هم در زمانه‌ای که تجارت آزاد بین‌المللی به یک اصل بدیهی تبدیل شده است، انتظار نمی‌کشید. حتی پس از انتخاب ترامپ و تهدیدهای او مبنی بر اعمال تعرفه‌های تجاری نیز انتظار می‌رفت که شرکت‌های چندملیتی بزرگ به عنوان حامیان مالی سیاستمداران آمریکایی-ترامپ را به نرمش در مواضع خود توصیه کرده و اروپا و چین نیز با دادن چند تعهد ساده و معمولی کشمکش‌ها را فیصله دهند؛ اما روند اتفاقات ماه‌های اخیر کاملاً برعکس بوده است. سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا که با اعمال تعرفه بر واردات ماشین‌های ظرفشویی و پانل‌های خورشیدی آغاز و با اعمال تعرفه‌های ۱۰ و ۲۵ درصدی بر واردات آلومینیوم و فولاد تشدید شد، رفته رفته بر حدود ۱۲ درصد از کالاها و خدمات وارداتی به آمریکا سایه افکند و طیف وسیعی از کشورها به‌ویژه چین را تحت تاثیر قرار داد. اتخاذ این سیاست از سوی آمریکا از یک سو شرکای تجاری این کشور را به انجام اقدامات تلافی‌جویانه و از سوی دیگر آمریکا را به تلافی این اقدامات تلافی‌جویانه واداشته و این سلسله جهان را درباره وقوع یک جنگ تجاری تمام عیار به شدت نگران کرده است.

شاید دلیل اصلی این نگرانی‌ها سهم بالای آمریکا و چین از اقتصاد جهان باشد. این دو کشور به عنوان مهم‌ترین طرف‌های جنگ تجاری حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی اسمی دنیا را در اختیار دارند (اگر دامنه جنگ تجاری از تعرفه بر فولاد و آلومینیوم به دیگر محصولات اتحادیه اروپا نیز کشیده شود جمعاً حدود ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان مورد تهدید واقع خواهد شد). از سوی دیگر از مجموع ۸۰ هزار میلیارد دلار تولید ناخالص جهانی در سال ۲۰۱۶ حدود ۵۶ درصد از طریق صادرات یا واردات میان کشورها تجارت شده است. آمریکا بزرگترین واردکننده دنیا و پس از چین دومین صادرکننده بزرگ دنیا محسوب می‌شود. بنابراین شاید به نظر برسد که اتخاذ سیاست‌های تعرفه‌ای از سوی آمریکا - به‌ویژه اگر پای چین در میان باشد - می‌تواند اثری بزرگ بر تجارت و اقتصاد بین‌الملل داشته باشد و هراس سرمایه‌گذاران در این خصوص چندان خالی از وجه نیست؛ با این حال تایید صحت این مدعا مستلزم بررسی دقیق‌تر است.

اولین مسئله حایز اهمیت اثرگذاری این تعرفه‌ها است. ۱۶,۴ درصد از کل تجارت خارجی آمریکا با کشور چین انجام و بنابراین این کشور مهم‌ترین شریک تجاری این کشور محسوب می‌شود. در صورتی که آمریکا کل کالاهای وارداتی چین را مشمول تعرفه کرده و چین نیز به طور متقابل علیه آمریکا دست به وضع تعرفه بزند آنگاه تنها ۰,۷۹ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. در صورتی که آمریکا بر کلیه کالاهای وارداتی از کانادا و مکزیک - به عنوان شرکای قرارداد نفتا که هم در فهرست پنج صادرکننده برتر به آمریکا و هم در فهرست پنج واردکننده برتر از این کشور قرار دارند - تعرفه

وضع نموده و این دو کشور در اقدامی متقابل کالاهای وارداتی از آمریکا را مشمول تعرفه کنند آنگاه ۱۰۵۲ درصد از کل تولید ناخالص داخلی دنیا تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. کشورهای اروپایی نیز از مهم‌ترین شرکای تجاری آمریکا محسوب می‌شوند. در صورتی که آمریکا بر کلیه کالاهای وارداتی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تعرفه وضع نموده و این کشورها نیز مقابله به مثل کنند آنگاه ۰٫۹ درصد از کل تولید ناخالص داخلی دنیا تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. سرانجام در صورتی که جنگ تجاری، کل محصولات (کالاها و خدمات) وارداتی به آمریکا را شامل شود، آنگاه ۳٫۶ درصد از کل تولید جهان تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و اگر کشورهای صادرکننده به آمریکا نیز وضع تعرفه‌های متقابل علیه آمریکا را در دستور کار خود قرار دهند، آنگاه ۲٫۹ درصد دیگر (مجموعاً ۶٫۵ درصد) از کل تولید جهان تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

موضوع شایان توجه دیگر اثر وضع تعرفه‌های فراگیر بر آلومینیوم و فولاد است زیرا در حال حاضر تعرفه‌های وضع شده بر این دو کالا تقریباً تمامی کشورهای جهان را شامل می‌شود. آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰٫۲ میلیون تن فولاد خام صادر و ۳۵٫۴ میلیون تن فولاد خام وارد کرده است. این در حالی است که کل صادرات فولاد جهان در سال ۲۰۱۷ معادل ۴۶۳ میلیون تن بوده است، یعنی آمریکا صرفاً بر ۷٫۶ درصد از فولاد خام صادراتی جهان تعرفه وضع کرده است. وضع تعرفه متقابل بر فولاد از سوی کشورهای واردکننده فولاد از آمریکا تنها ۲٫۲ درصد دیگر از فولاد صادراتی دنیا را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین به رغم آنکه آمریکا بزرگترین واردکننده فولاد خام جهان محسوب می‌شود اما تعرفه‌های آمریکا در بدترین حالت صرفاً بر ۹٫۸ درصد از تجارت جهانی فولاد و بر تنها ۲٫۹ درصد از تقاضای جهانی فولاد خام اثر گذار خواهد بود. وضعیت در خصوص آلومینیوم کمی متفاوت است. مطابق آمار اداره آمار آمریکا، از مجموع ۵۹۰٫۸ میلیون تن مصرف آلومینیوم اولیه در سال ۲۰۱۶ حدود ۹ درصد یعنی ۵۰٫۹ میلیون تن متعلق به آمریکا بوده است که نود درصد از آن از طریق واردات تامین شده است. حجم صادرات آلومینیوم اولیه آمریکا در سال ۲۰۱۶ کمتر از ۳۰۰ هزار تن بوده است. بنابراین وضع تعرفه بر آلومینیوم بر ۸ درصد از محصول آلومینیوم دنیا تاثیر می‌گذارد. بنابراین امکان متاثر شدن قیمت‌های جهانی از این محل قابل تصور است.

اثر تعرفه‌ها بر تورم آمریکا و آثار آن بر اقتصاد جهانی نیز حایز اهمیت است. اعمال تعرفه منجر به افزایش قیمت تمام شده محصولات و به تبع آن افزایش تورم می‌شود. کنترل تورم به عنوان مهم‌ترین هدف بانک مرکزی آمریکا منجر به افزایش تعداد دفعات و سرعت رشد نرخ بهره خواهد شد. این اتفاق به نوبه خود باعث افزایش هزینه استقراض و کاهش سرمایه‌گذاری شده و اقتصاد تازه نجات یافته از بحران آمریکا را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. با این حال اینکه رشد تورم تا چه حد بالا باشد به ارزش کالاهای مشمول تعرفه بستگی دارد. برای مثال اثر افزایش قیمت فولاد و آلومینیوم بر شاخص قیمت مصرف‌کننده

اندک است. یک درصد افزایش در قیمت نهاده فولاد منجر به افزایش شاخص قیمت مصرف کننده به اندازه ۰,۰۱ واحد درصد می شود. این در حالی است که همین مقدار افزایش در قیمت آلومینیوم اثر ناچیزی بر شاخص قیمت مصرف کننده دارد.

رشد تورم و اقدامات فدرال رزرو برای کنترل آن می تواند از طریق اثرگذاری بر ارزش دلار اقتصاد جهانی را متأثر سازد. رشد بی رویه قیمت ها می تواند منجر به کاهش ارزش دلار و به تبع آن رشد قیمت کامودیتی ها شود، اما واکنش فدرال رزرو به تورم و افزایش دادن نرخ بهره برای کنترل آن، می تواند به بازایی ارزش دلار و حتی جهش آن به قیمت های بالاتر منجر شود. در نهایت افزایش نرخ بهره و کاهش سطح سرمایه گذاری در آمریکا می تواند منجر به کاهش تقاضای کل اقتصاد و کاهش ارزش دلار منجر شود. اینکه این اثرات تا چه اندازه موثر باشند به میزان کالاهای مشمول تعرفه و نرخ های تعرفه بستگی دارد. پاسخ به این پرسش ها مستلزم مدلسازی اقتصادی و بررسی تبعات وقوع یک جنگ تجاری تمام عیار است. بررسی اثر بروز یک جنگ تجاری تمام عیار مستلزم پاسخ به حداقل سه پرسش اساسی است:

۱. تعرفه ها تا کجا افزایش خواهند یافت؟
۲. جنگ تجاری تا چه میزان باعث کاهش در تجارت جهانی خواهد شد؟
۳. جنگ تجاری چه اثری بر تولید ناخالص داخلی دنیا خواهد داشت؟

برای پاسخ به پرسش نخست می توان از دو رویکرد متفاوت استفاده کرد. رویکرد نخست مبتنی بر مدلسازی اقتصادی است. مطالعات مختلف انجام شده بر اساس این رویکرد، میزان رشد تعرفه ها را چیزی بین ۳۰ تا ۶۰ درصد تخمین می زنند، بنابراین می توان گفت مدل های اقتصادی میزان رشد تعرفه ها را به صورت متوسط چیزی در حدود ۴۵٪ تخمین می زنند. رویکرد دوم به بررسی تجارب تاریخی می پردازد. به این منظور در این روش نتایج جنگ های تجاری پیشین -در دورانی که توافق نامه های تجاری بین الملل فراگیر نشده بود- مورد بررسی قرار می گیرد. آخرین حرکت بزرگ حمایت گرایانه در تاریخ آمریکا قانون تعرفه اسموت-هاولی بود که منجر به رشد تعرفه های وارداتی تا سطح ۴۵٪ شد. بنابراین می توان گفت که هم نظریه و هم شواهد تاریخی حاکی از این هستند که جنگ تجاری می تواند تعرفه ها را به بیش از ۴۰٪ برساند.

پاسخ به پرسش دوم تا حد زیادی به حساسیت تقاضای کالاهای وارداتی نسبت به افزایش قیمت این کالاهای (کشش تقاضای کالاهای وارداتی) بستگی دارد. پل کروگمن اقتصاددان برنده جایزه نوبل معتقد است در صورت وقوع یک جنگ تجاری تمام عیار و با فرض کشش ۳ تا ۴ درصدی تقاضای واردات، احتمالاً

با کاهش ۷۰ درصدی در تجارت بین الملل مواجه خواهیم شد. کاهش ۷۰ درصدی در حجم تجارت جهانی ما را به سطح تجارت در دهه ۱۹۶۰ بازمی گرداند.

پرسش سوم، مهم ترین پرسشی است که باید در فضای کنونی به آن پاسخ داده شود. مطابق با نظر پل کروگمن حداکثر زیان های رفاهی ناشی از جنگ تجاری با فرض رسیدن تعرفه ها به چهل درصد و کاهش هفتاد درصدی تجارت بین الملل ۲۰۱ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا خواهد بود. همچنین بر اساس یافته های صندوق بین المللی پول در بلندمدت و با فرض تحقق بدترین سناریوی ممکن، رشد اقتصاد آمریکا و چین به ترتیب معادل ۱ درصد و نیم درصد تولید ناخالص ملی کمتر از حالتی خواهد بود که در آن تعرفه ای وضع نشود. به علاوه اثر اعمال تعرفه ها در بلندمدت بر اقتصاد جهان بیش از ۰.۴ درصد تولید ناخالص ملی نخواهد بود.

علاوه بر موارد فوق باید به احتمال وقوع جنگ ارزی میان کشورها نیز توجه داشت. جنگ تجاری افزایش تقاضای دلار توسط سرمایه گذاران را به دنبال داشته و در کنار رشد نرخ بهره آمریکا باعث تقویت شاخص دلار شده است که تا حد زیادی با هدف ترامپ مبنی بر بهبود تراز تجاری آمریکا در تضاد است؛ بنابراین ممکن است آمریکا کاهش ارزش دلار را در دستور کار خود قرار دهد. چین نیز به عنوان کشوری که همواره متهم به دستکاری پول ملی خود برای افزایش صادرات است به منظور حفظ سطح صادرات خود از انگیزه کافی برای کاهش ارزش یوان برخوردار است، به ویژه اگر آمریکا نیز دست به چنین اقدامی بزند. بنابراین افزایش تنش ها و تشدید جنگ تجاری می تواند انگیزه کشورها برای دستکاری پول ملی را افزایش دهد، اما باید توجه داشت که اگر همه کشورها تصمیم به چنین کاری بگیرند بازهم با جنگی مواجه خواهیم بود که هیچ برنده ای ندارد.

مسئله حایز اهمیت دیگر اثر جنگ تجاری بر اقتصاد ایران است. جنگ تجاری می تواند باعث توقف واردات نفت چین از آمریکا شده و به علاوه وقوع جنگ ارزی می تواند منجر به افزایش قیمت نفت شود؛ بنابراین در مجموع جنگ تجاری آثار مثبتی بر فروش نفت ایران خواهد داشت. اعمال تعرفه بر فولاد در نهایت اثر منفی قیمتی بر فولاد نخواهد داشت، اما می تواند در شرایط تحریمی فعلی یافتن مشتریان مناسب برای صنعت فولاد ایران را با دشواری مواجه نماید زیرا افزایش تعرفه فولاد آمریکا می تواند صادرکنندگان به این کشور را ترغیب به یافتن مشتریان جدید کند؛ مسئله ای که می تواند ایران را در یافتن مشتریان مناسب برای محصولات خود تحت فشار قرار دهد. اعمال تعرفه بر آلومینیوم بر قیمت های جهانی این محصول نیز چندان اثرگذار نخواهد بود اما باید توجه داشت که ۱۵٪ از واردات آمریکا یعنی چیزی در حدود ۸۰۰ هزار تن متعلق به چین است، این در حالی است که کل صادرات آلومینیوم ایران در سال ۲۰۱۵ حدود ۳۰۰ هزار

تن بوده است. بنابراین ممکن است تولیدکنندگان آلومینیوم در ایران به علت سرازیر شدن آلومینیوم‌های تولید چین به بازار آسیب جدی ببینند. این موارد در خصوص سایر محصولات صادراتی ایران مانند صنایع فلزی و معدنی، محصولات پتروشیمی و... نیز صادق است. وقوع جنگ ارزی و تمایل آمریکا به کاهش ارزش دلار نیز می‌تواند به افزایش قیمت این فلز کمک کند، با این حال طی ماه‌های اخیر ارزش دلار به دلیل افزایش تقاضا برای این ارز و همچنین افزایش نرخ بهره روندی صعودی را طی نموده است. به نظر می‌رسد آنچه در ماه‌های آتی نقشی تعیین کننده در قیمت جهانی طلا خواهد داشت ارزش دلار است و تشدید جنگ تجاری به تنهایی اثر چشمگیری بر قیمت جهانی طلا نداشته باشد.

در مجموع می‌توان گفت شرایط آنچنان که توسط رسانه‌ها تصویر می‌شود نگران کننده نیست. از نظر بسیاری از تحلیل‌گران و مؤسسات مهم اقتصادی نظیر گلدمن ساکس این نگرانی‌ها بیش از اندازه است و شرایط کنونی برای همه کالاها فرصتی برای خرید و انباشت است چرا که در آینده شاهد افزایش قیمت برای همه کالاها خواهیم بود. از نظر این موسسه رشد اقتصادی قوی در سطح جهان و موجودی رو به کاهش انبارها در بازارهای انرژی و فلزات سرانجام به افزایش قیمت کامودیتی‌ها منجر خواهند شد. t.

جنگ تجاری آمریکا





«وقتی کشوری عملاً میلیاردها دلار را در تجارت با هر کشوری که با آن روابط اقتصادی دارد از دست می‌دهد، جنگ‌های تجاری گزینه خوبی است و به راحتی می‌توان در آن‌ها برنده شد^۱. به عنوان مثال وقتی در تجارت با یک کشور ۱۰۰ میلیارد دلار ضرر کردیم و آن کشور نفع زیادی برد، دیگر نباید با آن کشور تجارت کرد- ما موفقیتی بزرگ کسب خواهیم کرد. این کار راحت است»

توثیت دونالد ترامپ
۲ مارس ۲۰۱۸

۱ - مقدمه

دونالد ترامپ یک روز پس از اعمال تعرفه‌های ۱۰ و ۲۵ درصدی بر آلومینیوم و فولاد، با توثیت کردن جمله فوق مناسبات تجاری میان قدرت‌های بزرگ را وارد دور تازه‌ای کرد. این تصمیم ترامپ برخلاف بسیاری از تصمیماتش غیرمنتظره نبود. اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه برای بازگرداندن آنچه وی آن‌ها را «شغل‌های دزدیده شده» از آمریکایی‌ها توسط دیگران عنوان می‌کرد، یکی از اصلی‌ترین وعده‌های انتخاباتی دونالد ترامپ بود. او مدعی

بود که اتخاذ سیاست‌های برون‌سپاری^۲ توسط دولت‌های پیشین ایالات متحده منجر به خروج بسیاری از مشاغل از آمریکا شده است. به علاوه از نظر او شرکای بزرگ تجاری آمریکا نظیر چین، اتحادیه اروپا، کانادا، مکزیک و ... از فرصت‌های فراهم‌شده توسط این کشور سو استفاده کرده و با برقراری یک رابطه مبتنی بر نفع یک‌جانبه در برابر همه چیزهایی که تجارت با آمریکا به آن‌ها می‌دهد، چیز خاصی به کشورش نمی‌دهند.

ترامپ معتقد است که اقتصاد ایالات متحده آمریکا از توافقات تجاری ضعیفی که در زمان روسای جمهور پیشین آمریکا شکل گرفته اند، رنج می‌برد و مذاکره مجدد و بازنگری یا خروج از این توافقات را یکی از اولویت‌های اصلی دولت خود در زمینه تجارت خارجی عنوان می‌کند. توافقاتی که به زعم او تراز تجاری، اشتغال و رشد اقتصادی آمریکا را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع در نگاه ترامپ و دولت‌مردان نزدیک به او، تجارت بین‌الملل یک بازی جمع صفر است که در آن منافع طرف‌های تجاری آمریکا معادل با زیان این کشور است. این ایده که در نقطه مقابل ایده متفکرین طرفدار جهانی سازی و تجارت آزاد بین‌المللی قرار دارد رویکرد لسه‌فر^۳ حاکم بر سرمایه‌داری آمریکا را عامل ضربه دیدن اقتصاد این کشور می‌داند و به جای آن سرمایه‌داری کنترل شده مبتنی بر دخالت‌های حمایتی دولت در اقتصاد را پیشنهاد می‌دهد.

۱. Trade wars are good and easy to win

۲. Outsourcing

۳. Laissez Faire

بر مبنای همین نگرش بود که ترامپ ضمن به چالش کشیدن چندجانبه گرایی^۴ در روابط بین الملل، وعده "توافقی‌هایی سخت و عادلانه"^۵ در حوزه تجارت بین الملل را می‌داد که آنچه را ظلم به آمریکا در روابط تجاری می‌خواند از میان خواهد برد و با احیای اقتصاد آمریکا میلیون‌ها شغل ایجاد خواهد کرد.

این دیدگاه‌ها باعث شد تا ترامپ بعد از تصدی مقام ریاست جمهوری از توافق‌نامه همکاری ترانس پاسیفیک^۶ خارج شود. او در ادامه بحث بازنویسی قوانین توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA)^۷ را پیش کشید و تهدید کرد که در صورتی که شرکای نفتا از آنچه کاخ سفید آن را توافقی منصفانه بین طرفین می‌داند سرباز زنند، از نفتا خارج خواهد شد. وی همچنین خواهان کاهش مازاد تجاری کشورهای نظیر چین، کره جنوبی و آلمان در تجارت با آمریکا شد و سرانجام در اجلاس داووس در ژانویه ۲۰۱۸ با تهدید شرکای تجاری آمریکا به حفظ منافع آمریکا در روابط تجاری‌اش با دیگر کشورها، به‌روشنی بر طبل شروع جنگ تجاری کوبید.

ترامپ جنگ تجاری را با اعمال تعرفه روی پانل‌های خورشیدی و ماشین‌های لباس‌شویی آغاز کرد و مدتی بعد نیز روی فولاد و آلومینیوم به ترتیب تعرفه‌های ۲۵ و ۱۰ درصدی اعمال کرد و در ادامه با ادعای عدم

رعایت حقوق مالکیت معنوی توسط چین تعرفه‌های جدیدی علیه این کشور وضع کرد. اقدامات ترامپ واکنش جدی دیگر کشورها را به دنبال داشت و آن‌ها را به تجدید نظر در روابط تجاری خود با آمریکا ترغیب نمود. کشورهای مختلف مانند چین، کانادا و اتحادیه اروپا دست به اقدامات تلافی‌جویانه زدند و با وضع تعرفه‌های متقابل بر کالاهای آمریکایی به هراس‌ها در خصوص بروز یک جنگ تجاری بیش از پیش دامن زدند. جدول ۱ خلاصه‌ای از روند تشدید اختلافات تجاری میان آمریکا و سایر کشورهای دنیا را نشان می‌دهد.

اقدامات تلافی‌جویانه کشورها به ویژه اقدامات چین با واکنش فوری آمریکا مواجه شده و باعث بروز نگرانی‌های جدی درخصوص آینده تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی کشورها شده است. هراس از آسیب دیدن جدی رشد اقتصاد جهانی که هنوز به طور کامل دوران نقاهت را پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ پشت سر نگذاشته است هشدار جدی صندوق بین‌المللی پول را به دنبال داشته است. بر این اساس در این گزارش ضمن بررسی روند تعرفه‌گذاری در ماه‌های اخیر به ارزیابی نتایج و آثار این سیاست بر اقتصاد بین‌الملل و به تبع آن ایران پرداخته شده است.

۴. Multilateralism

۵. Tough and Fair Agreements

۶. Trans- Pacific Partnership

۷. North American Free Trade Agreement

جدول ۱- روند تشدید اختلافات تجاری میان آمریکا و شرکای تجاری این کشور

موضوع	تاریخ شمسی	تاریخ میلادی
گزارش کمیته تجارت بین الملل آمریکا در مورد لزوم اعمال محدودیت تجاری روی واردات سلولهای خورشیدی	۱۳۹۶/۰۸/۰۹	۲۰۱۷/۱۰/۳۱
گزارش کمیته تجارت بین الملل آمریکا در مورد لزوم اعمال محدودیت تجاری بر روی واردات ماشینهای لباسشویی	۱۳۹۶/۰۸/۳۰	۲۰۱۷/۱۱/۲۱
اعمال تعرفههای سلولهای خورشیدی و ماشینهای لباسشویی از سوی ترامپ	۱۳۹۶/۱۰/۰۳	۲۰۱۸/۰۱/۲۳
ترامپ واردات آلومینیوم و فولاد را یک تهدید امنیتی قلمداد کرد	۱۳۹۶/۱۲/۱۰	۲۰۱۸/۰۳/۰۱
اعمال تعرفههای ۱۰ و ۲۵ درصدی بر روی آلومینیوم و فولاد از سوی ترامپ- معافیت برخی از کشورها نظیر کانادا و مکزیک و اتحادیه اروپا تا ۲۰۱۸/۰۵/۰۱ (۱۳۹۷/۰۲/۱۱)	۱۳۹۷/۰۱/۰۳	۲۰۱۸/۰۳/۲۳
اعمال تعرفه بر ۱۲۸ قلم کالای وارداتی آمریکایی از سوی چین به تلافی تعرفههای فولاد و آلومینیوم	۱۳۹۷/۰۱/۱۳	۲۰۱۸/۰۴/۰۲
اعلام فهرست کالاهای چینی مشمول تعرفه از سوی نماینده تجاری ایالات متحده و اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر روی ۱۳۳۳ قلم کالای چینی به ارزش ۴۶,۲ میلیارد دلار از سوی آمریکا	۱۳۹۷/۰۱/۱۴	۲۰۱۸/۰۴/۰۳
تهدید چین مبنی بر وضع تعرفه ۲۵ درصدی بر ۱۰۶ قلم از کالاهای آمریکایی به ارزش ۴۹,۸ میلیارد دلار	۱۳۹۷/۰۱/۱۵	۲۰۱۸/۰۴/۰۴
تمدید معافیت تعرفههای اتحادیه اروپا، کانادا و مکزیک در خصوص واردات آلومینیوم و فولاد تا ۲۰۱۸/۰۶/۰۱ (۱۳۹۷/۰۳/۱۱)	۱۳۹۷/۰۲/۱۰	۲۰۱۸/۰۴/۳۰
اعلام مقابله به مثل کانادا در برابر آمریکا با اعمال تعرفه بر محصولات آمریکایی به ارزش ۱۶,۶ میلیارد دلار از ۲۰۱۸/۰۶/۰۱	۱۳۹۷/۰۳/۱۰	۲۰۱۸/۰۵/۳۱
اعلام پایان معافیت اتحادیه اروپا، کانادا و مکزیک در تعرفههای اعمال شده بر فولاد و آلومینیوم	۱۳۹۷/۰۳/۱۱	۲۰۱۸/۰۶/۰۱
اعمال تعرفه بر محصولات آمریکایی به ارزش ۱۶,۶ میلیارد دلار از سوی کانادا	۱۳۹۷/۰۳/۱۱	۲۰۱۸/۰۶/۰۱
اصلاح فهرست کالاهای مشمول تعرفه چین از سوی نماینده تجاری ایالات متحده و اعلام اعمال این تعرفهها در دوفاز (فاز اول به ارزش ۳۴ میلیارد دلار و فاز دوم به ارزش ۱۶ میلیارد دلار)	۱۳۹۷/۰۳/۲۵	۲۰۱۸/۰۶/۱۵
تهدید به تلافی چین با اعمال تعرفههای دیگری بر روی ۶۵۹ قلم از کالاهای آمریکایی به ارزش ۵۰ میلیارد دلار در دوفاز (فاز اول به ارزش ۳۴ میلیارد دلار و فاز دوم به ارزش ۱۶ میلیارد دلار)	۱۳۹۷/۰۳/۲۶	۲۰۱۸/۰۶/۱۶

جنگ تجاری آمریکا

موضوع	تاریخ شمسی	تاریخ میلادی
تهدید ترامپ به اعمال تعرفه ۱۰ درصدی بر محصولات وارداتی آمریکا از چین به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار	۱۳۹۷/۰۳/۲۷	۲۰۱۸/۰۶/۱۸
افزایش تعرفه غلات و ۲۹ محصول وارداتی آمریکایی از سوی هند	۱۳۹۷/۰۳/۳۰	۲۰۱۸/۰۶/۲۱
وضع تعرفه بر روی ۳,۲ میلیارد دلار کالای آمریکایی از سوی اتحادیه اروپا	۱۳۹۷/۰۴/۰۱	۲۰۱۸/۰۶/۲۲
تهدید ترامپ به اعمال تعرفه ۲۰ درصدی بر روی تمامی اتومبیل‌های وارداتی از اروپا	۱۳۹۷/۰۴/۰۱	۲۰۱۸/۰۶/۲۲
اعلام حذف تعرفه های واردات خوراک دام برای پنج کشور آسیایی از سوی چین	۱۳۹۷/۰۴/۰۵	۲۰۱۸/۰۶/۲۶
اعلام ترامپ مبنی بر محدود نمودن مالکیت چینی‌ها بر شرکت‌های آمریکایی فعال در زمینه تکنولوژی‌های حساس	۱۳۹۷/۰۴/۰۶	۲۰۱۸/۰۶/۲۷
اعمال تعرفه بر روی ۱۲,۸ میلیارد دلار از کالاهای آمریکایی از جمله فولاد و آلومینیوم از سوی کانادا	۱۳۹۷/۰۴/۱۰	۲۰۱۸/۰۷/۰۱
اجرائی شدن فاز اول تعرفه‌های اعلامی آمریکا بر کالاهای چینی در ۱۵ ژوئن به ارزش ۳۴ میلیارد دلار	۱۳۹۷/۰۴/۱۵	۲۰۱۸/۰۷/۰۶
اجرائی شدن فاز اول تعرفه‌های اعلامی چین بر کالاهای آمریکایی در ۱۶ ژوئن به ارزش ۳۴ میلیارد دلار		
وضع تعرفه ۱۰ درصدی بر ۲۰۰ میلیارد دلار از کالاهای چینی	۱۳۹۷/۰۴/۱۹	۲۰۱۸/۰۷/۱۰
شکایت نماینده تجاری ایالت متحده آمریکا در سازمان تجارت جهانی از کانادا، چین، اتحادیه اروپا، مکزیک و ترکیه به دلیل اقدامات تلافی جویانه کشورهای فوق در پاسخ به اعمال تعرفه از سوی آمریکا	۱۳۹۷/۰۴/۲۵	۲۰۱۸/۰۷/۱۶
تهدید ترامپ مبنی بر اعمال تعرفه بر تمامی کالاهای وارداتی از چین	۱۳۹۷/۰۴/۲۹	۲۰۱۸/۰۷/۲۰
اعلام اعطای یارانه به ارزش ۱۲ میلیارد دلار به کشاورزان آمریکایی متضرر از سیاست‌های تعرفه‌ای دولت آمریکا	۱۳۹۷/۰۵/۰۲	۲۰۱۸/۰۷/۲۴
درخواست ترامپ برای افزایش نرخ تعرفه از ۱۰ به ۲۵ درصد برای ۲۰۰ میلیارد دلار از اقلام وارداتی آمریکا	۱۳۹۷/۰۵/۱۰	۲۰۱۸/۰۸/۰۱
تهدید چین مبنی بر اعمال تعرفه ۵ الی ۲۵ درصدی پیرو تهدید ترامپ برای افزایش نرخ‌های تعرفه‌ای	۱۳۹۷/۰۵/۱۲	۲۰۱۸/۰۸/۰۳

موضوع	تاریخ شمسی	تاریخ میلادی
اعلام افزایش نرخ تعرفه برخی از اقلام وارداتی آمریکا از چین به ارزش ۱۶ میلیارد دلار به ۲۵ درصد از سوی نماینده تجاری ایالات متحده	۱۳۹۷/۰۵/۱۶	۲۰۱۸/۰۸/۰۷
تجدید نظر چین در لیست اقلام تعرفه‌ای خود به ارزش ۱۶ میلیارد دلار با خارج ساختن نفت خام وارداتی از آمریکا از لیست اعمال تعرفه	۱۳۹۷/۰۵/۱۷	۲۰۱۸/۰۸/۰۸
امضای قانون اختیار دفاع ملی جان اس. مک‌کین از سوی ترامپ برای سال مالی ۲۰۱۹ مبنی بر نظارت ویژه بر سرمایه‌گذاری خارجی و جلوگیری از خروج تکنولوژی	۱۳۹۷/۰۵/۲۲	۲۰۱۸/۰۸/۱۳
اجرای شدن فاز دوم تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای چینی در ۱۵ ژوئن به ارزش ۱۶ میلیارد دلار	۱۳۹۷/۰۶/۰۱	۲۰۱۸/۰۸/۲۳
توافق اولیه آمریکا و مکزیک درخصوص انعقاد یک توافق جانبی برای توافق‌نامه نفتا در خصوص تجارت اتومبیل	۱۳۹۷/۰۶/۰۵	۲۰۱۸/۰۸/۲۷
توثیق ترامپ مبنی بر توافق تجاری بزرگ با مکزیک	۱۳۹۷/۰۶/۰۵	۲۰۱۸/۰۸/۲۷
اعلام لیست نهایی کالاهایی به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار توسط ترامپ که از تاریخ ۲۴ سپتامبر مشمول تعرفه ده درصدی خواهند شد. این تعرفه‌ها از ۱ ژانویه ۲۰۱۹ به ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت.	۱۳۹۷/۰۶/۲۶	۲۰۱۸/۰۹/۱۷
اعلام لیست نهایی کالاهای آمریکایی مشمول تعرفه توسط چین به ارزش ۶۰ میلیارد دلار. این تعرفه‌ها در صورت اجرای شدن تعرفه‌های آمریکا در ۲۴ سپتامبر اجرایی شده و نرخ بین ۵ تا ۱۰ درصد خواهند داشت.	۱۳۹۷/۰۶/۲۷	۲۰۱۸/۰۹/۱۸
اجرای شدن تعرفه‌های آمریکا بر ۲۰۰ میلیارد دلار از کالاهای چینی و به طور متقابل اجرایی شده تعرفه‌های چین بر ۶۰ میلیارد دلار کالاهای آمریکایی	۱۳۹۷/۰۷/۰۲	۲۰۱۸/۰۹/۲۴
چین و آمریکا پس از یک ماه سکوت از مذاکره ترامپ و شی جین پینگ در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ در کماه نوامبر در آرژانتین خبر دادند.	۱۳۹۷/۰۸/۰۳	۲۰۱۸/۱۰/۲۵
آمریکا اعلام کرد در صورت عدم دستیابی به توافق در دیدار ماه نوامبر خود را برای اعمال بر باقی محصولات وارداتی چین به ارزش ۲۵۷ میلیارد دلار آماده می‌کند. انتظار می‌رود این تعرفه‌ها در صورت اعلام در ماه دسامبر برای فوریه ۲۰۱۹ اجرایی شود.	۱۳۹۷/۰۸/۰۸	۲۰۱۸/۱۰/۳۰
مذاکره تلفنی میان وزیر خزانه داری آمریکا و همتای چینی او در خصوص چارچوب توافق تجاری و توافق برای کاهش دادن تنش‌ها	۱۳۹۷/۰۸/۱۸	۲۰۱۸/۱۱/۰۹
انتشار فهرست پیشنهادی آمریکا برای کنترل صادرات فناوری‌های نوظهور	۱۳۹۷/۰۸/۲۸	۲۰۱۸/۱۱/۱۹

* مجموعه اقدامات ترامپ تاکنون منجر به اعمال تعرفه بر ۲۱ درصد از کل کالاهای وارداتی به آمریکا و اقدامات تلافی جویانه شرکای تجاری آمریکا منجر به اعمال تعرفه بر ۸ درصد از کالاهای صادراتی آمریکا شده است.

۲- ترامپ به دنبال چیست؟

ترامپ معتقد است زمین بازی مسطحی میان آمریکا و شرکای تجاری اش وجود ندارد و این مسئله باعث رشد روزافزون کسری تراز تجاری آمریکا شده است. برای مثال چین از حقوق مالکیت معنوی بنگاه‌های اقتصادی خارجی محافظت نمی‌کند و تعرفه‌های وارداتی اعمال شده از سوی چین بر کالاهای آمریکایی به‌طور متوسط بالاتر از تعرفه‌های اعمال شده از سوی آمریکا بر کالاهای چینی است.

واقعیت آن است که شرکت‌های چینی اغلب به تقلب در برندهای تجاری، اختراعات ثبت‌شده و نیز سرقت تکنولوژی متهم می‌شوند. از طرفی دسترسی به بازار چین محدود است؛ چین اجازه دسترسی خارجیان به بخش‌هایی از اقتصاد خود را به انتقال تکنولوژی توسط آن‌ها و اتخاذ استراتژی بومی‌سازی منوط کرده است. مالکیت تام خارجیان بر این بخش‌ها - که بخش‌هایی همچون تولید خودرو را شامل می‌شود - مجاز نیست، این در حالی است که تملک صد درصدی سهام یک کمپانی خودروسازی در آمریکا توسط چینیان بلامانع است. شرکت‌های خارجی صرفاً می‌توانند در قالب سرمایه‌گذاری مشترک^۹ وارد بازار چین شوند.

همچنین بر اساس آمارهای سازمان تجارت جهانی، متوسط تعرفه‌های چین بر واردات ۹,۹ درصد است در حالی که تعرفه‌های مشابه در آمریکا ۳,۵ درصد است. این

تعرفه‌ها به محصولات کشاورزی منحصر نبوده و بر واردات محصولات تولیدی و صنعتی نظیر تجهیزات حمل‌ونقل، ماشین‌های الکترونیکی و پوشاک نیز وضع شده است. اتحادیه اروپا نیز به‌طور میانگین تعرفه‌هایی بالاتر از آمریکا دارد، هرچند این اختلاف اندک و حدود ۲ درصد است. تعرفه‌های وضع‌شده از سوی اروپا بر محصولات کشاورزی



تفاوت فاحشی با آمریکا دارد. با این حال بالاتر بودن تعرفه‌های وارداتی اتحادیه اروپا و چین در قیاس با آمریکا به‌تنهایی برای قضاوت در خصوص عادلانه بودن تجارت میان این کشورها کافی نیست

محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای در دنیای امروز - که بعضاً حتی از محدودیت‌های تعرفه‌ای نیز مهم‌ترند - می‌توان گفت تعرفه‌های بالاتر اروپا با محدودیت‌های تجاری غیرتعرفه‌ای بیشتر آمریکا

۸. Joint Venture

۹. موانع غیرتعرفه‌ای عبارت است از هرگونه اقدام با هدف محدود کردن حجم واردات که با روشی به جز وضع تعرفه بر واردات اجرایی شود. از مهم‌ترین محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای می‌توان به وضع سهمیه‌های وارداتی، ثبت سفارش، محدودیت‌های تخصیص ارز، وضع استانداردهای سخت‌گیرانه و ... اشاره کرد.

تولید داخلی شود ولی این موضوع آثار جانبی منفی نیز به دنبال خواهد داشت. این کار نه تنها منجر به افزایش نرخ تورم مصرف‌کننده خواهد شد بلکه هزینه صادرات را نیز بالا خواهد برد. بسیاری از محصولات صادراتی آمریکا از نهاده‌های وارداتی نظیر آهن و فولاد استفاده می‌کنند؛ بنابراین افزایش تعرفه روی این کالاها به صادرات آمریکا ضربه خواهد زد. این آسیب با افزایش مجدد در تعرفه‌ها بیشتر نیز خواهد شد. بنابراین استفاده از سیاست وضع تعرفه‌های تنبیهی روش مناسبی برای حل این مشکل نیست. شاید یک روش مناسب برای ایجاد تراز تجاری متعادل با کشورهای دیگر، مجاب کردن آن‌ها به کاهش تعرفه‌های تجاری است تا از این طریق قیمت محصولات در این کشورها کاهش یافته و قدرت خرید مصرف‌کنندگان افزایش یابد تا تولیدکنندگان آمریکایی بتوانند از این فرصت برای افزایش صادرات و بهبود وضعیت تراز تجاری استفاده کنند.

۳- اثر تعرفه‌ها بر اقتصاد جهانی

شاید تا پیش از ظهور پدیده ترامپ، کسی وقوع یک جنگ تجاری جدید آن هم در زمانه‌ای که تجارت آزاد بین‌المللی به یک اصل بدیهی تبدیل شده است را انتظار نمی‌کشید. حتی پس از انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور و تهدیدهای او مبنی بر اعمال تعرفه‌های تجاری نیز انتظار می‌رفت که شرکت‌های چندملیتی بزرگ - به عنوان حامیان مالی سیاستمداران آمریکایی - ترامپ را به نرمش در مواضع

تعرفه‌ای از سوی او را توجیه‌پذیر نمی‌کند. کسری تراز تجاری دوجانبه همواره ناشی از تفاوت در حمایت از صنایع داخلی نیست. تجارت دوجانبه از تخصص‌گرایی مبتنی بر مزیت رقابتی کشورها ناشی می‌شود و عملکرد مبتنی بر مزیت رقابتی هر کشور چیزی جز یک رفتار عقلایی اقتصادی نیست. اگر سطح موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای در تمام کشورها یکسان بود باز هم مزیت‌های رقابتی متفاوت کشورها به کسری‌ها و مازادهای تجاری منجر می‌شد. کسری تراز تجاری آمریکا به علت مصرف بیش از اندازه آمریکا یا پایین بودن پس‌انداز ملی است. در واقع تولید ملی در آمریکا قادر به حرکت پایاپای با سطح مصرف و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی نیست. اوبستفیلد^{۱۰} اقتصاددان ارشد صندوق بین‌المللی پول معتقد است دولت ایالت متحده از طریق مذاکره و وضع تعرفه‌های متفاوت قادر به کاهش کسری تجاری خارجی خود نیست، چراکه این کسری از بالا بودن سطح مخارج کل ایالات متحده - که در حال پیشی گرفتن از درآمد کل است - ناشی می‌شود. بنابراین به رغم آنکه بهبود رقابت‌پذیری آمریکا می‌تواند منجر به بهبود تراز تجاری دوجانبه این کشور شود، اما کسری تراز تجاری وقتی از بین خواهد رفت که بخش خصوصی و دولتی آمریکا پس‌انداز خود را افزایش دهند. از طرف دیگر تلاش برای برابر سازی تراز تجاری دوجانبه با استفاده از افزایش تعرفه‌های واردات می‌تواند باعث افزایش

تعدیل می‌شود. دسترسی به داده‌های محدودیت‌های تجاری غیرتعرفه‌ای چین چندان میسر نیست. با این وجود می‌توان برای سنجش موانع غیر تعرفه‌ای از شاخص تسهیلات تجاری^{۱۱} بهره جست. مقایسه شاخص تسهیلات تجاری چین و آمریکا نشان می‌دهد که این کشور دارای محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای بیشتری است. بنابراین می‌توان گفت

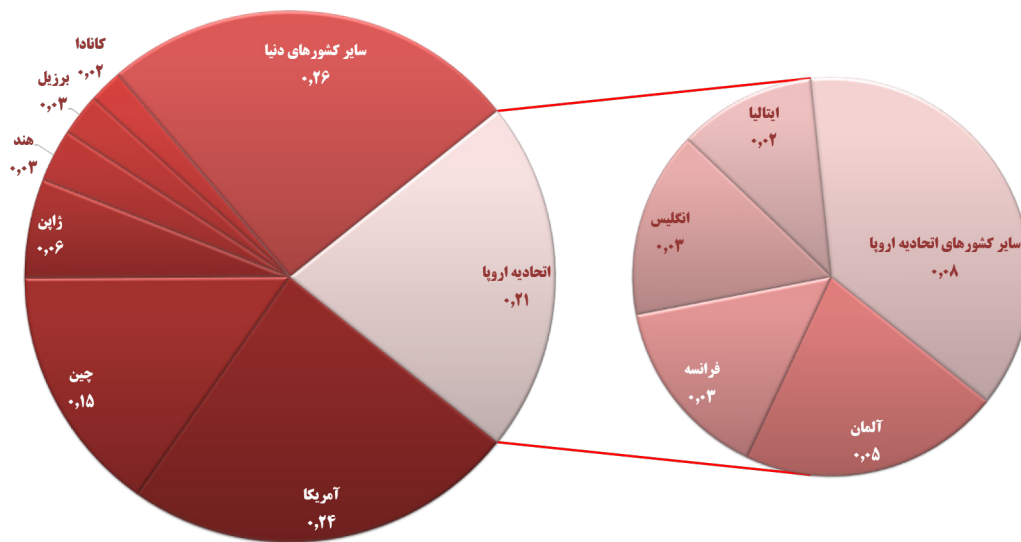


که زمین بازی آمریکا-اتحادیه اروپا در زمینه جنگ تجاری با زمین بازی آمریکا-چین تا حد زیادی متفاوت است و اظهارات ترامپ در خصوص چین را تا حد زیادی تایید نمود، اما باید توجه داشت که صحت ادعاهای او، اتخاذ سیاست‌های

۱۰. Trade Facilitation

۱۱. Maurice Obstfeld

جنگ تجاری آمریکا



شکل ۱- سهم کشورهای دنیا از GDP (منبع: بانک جهانی)

تهدید واقع خواهد شد. شکل ۱ سهم کشورهای دنیا از GDP کل دنیا را نشان می‌دهد.

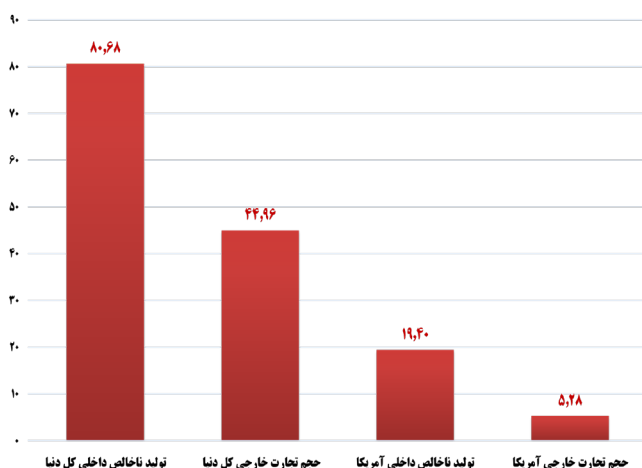
از مجموع ۸۰ هزار میلیارد دلار تولید ناخالص جهانی در سال ۲۰۱۶ حدود ۵۶ درصد از طریق صادرات یا واردات میان کشورها تجارت شده است. آمریکا بزرگترین واردکننده دنیا و پس از چین دومین صادرکننده بزرگ دنیا محسوب می‌شود. صادرات کالاها و خدمات آمریکا در سال ۲۰۱۷ معادل ۲,۳۵ هزار میلیارد دلار و واردات کالاها و خدمات این کشور حدود ۲,۹۳ هزار میلیارد دلار بوده است، در واقع چنان که در شکل ۲ مشاهده می‌شود حجم تجارت خارجی آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۷ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور و حدود ۶,۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهان بوده است. بنابراین در صورتی که جنگ تجاری، کل محصولات (کالاها و خدمات)

۳-۱- اثر تعرفه‌های تجاری آمریکا

تولید ناخالص داخلی اسمی آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۹,۴ هزار میلیارد دلار بوده است که معادل ۲۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی اسمی دنیا است.^{۱۲} چین به عنوان هدف اصلی ترامپ در جنگ تجاری، با بیش از ۱۲,۲ هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی اسمی، سهمی ۱۵,۲ درصدی از تولید ناخالص داخلی کل دنیا را به خود اختصاص داده است. بنابراین، این دو کشور حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی اسمی دنیا را به خود تخصیص داده‌اند و به همین علت است که اختلافات تجاری میان این دو کشور تا این حد مورد توجه است. به‌علاوه اگر دامنه جنگ تجاری از تعرفه بر فولاد و آلومینیوم به دیگر محصولات اتحادیه اروپا نیز گسترده شود، آنگاه حدود ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان مورد

خود توصیه کرده و اروپا و چین نیز با دادن چند تعهد ساده و معمولی به کشمکش‌ها پایان بخشند؛ اما روند اتفاقات ماه‌های اخیر کاملاً برعکس بوده است. چنان‌که در بخش پیش اشاره شد، تعرفه‌های وضع شده توسط ترامپ با اقدامات تلافی‌جویانه کشورهای دیگر به‌ویژه چین مواجه شد و دنیا را در خصوص بروز یک جنگ تجاری جدید به شدت نگران کرد. اما به‌راستی چه چیزی باعث بروز این نگرانی شده است و این نگرانی تا چه حد درست است؟ پاسخ به این پرسش پیش از هر چیز مستلزم بررسی نقش و جایگاه آمریکا و سایر کشورهای درگیر جنگ تجاری در اقتصاد جهانی و تجارت بین‌الملل است. در ادامه آثار جنگ تجاری در دو قسمت مورد بررسی قرار گرفته است، اثر تعرفه‌های اعمالی از سوی آمریکا و اثر بروز یک جنگ تجاری تمام عیار.

۱۲. تولید ناخالص داخلی کل دنیا در سال ۲۰۱۷ معادل ۸۰,۶۸ هزار میلیارد دلار بوده است.



شکل ۲- حجم تجارت خارجی آمریکا در قیاس با حجم تجارت خارجی و تولید ناخالص داخلی جهان (هزار میلیارد دلار)

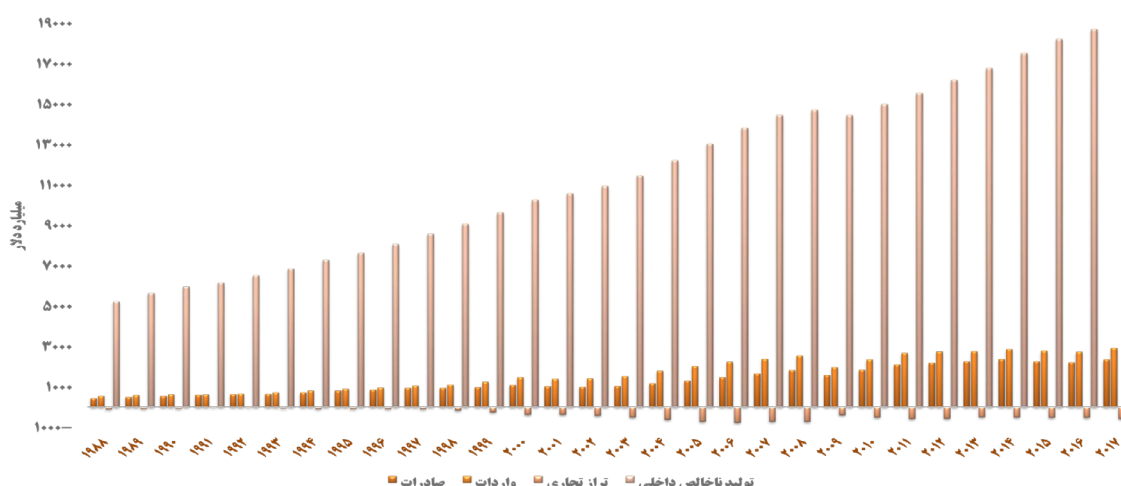
دلار صادرات آمریکا به چین) بوده است. چنان که در بخش ۱ اشاره شد در حال حاضر طرف اصلی جنگ تجاری آمریکا، کشور چین است و سایر کشورها صرفاً مشمول تعرفه‌های آلومینیوم و فولاد شده‌اند. در صورتی که آمریکا کل کالاهای وارداتی چین را مشمول تعرفه کرده و چین نیز به طور متقابل علیه آمریکا دست به وضع تعرفه بزند آنگاه تنها ۰,۷۹ درصد از تولید ناخالص جهانی تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

دو کشور کانادا و مکزیک به عنوان شرکای قرارداد نفتا، هم در فهرست پنج صادرکننده برتر به آمریکا و هم در فهرست پنج واردکننده برتر از این کشور قرار دارند. کانادا با ۲۸۲,۴ میلیارد

وارداتی به آمریکا را شامل شود، آنگاه ۳,۰۶ درصد از کل تولید جهان تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و اگر کشورهای صادرکننده به آمریکا نیز وضع تعرفه‌های متقابل علیه آمریکا را در دستور کار خود قرار دهند، آنگاه ۲,۰۹ درصد دیگر از کل تولید جهان تاثیر قرار خواهد گرفت.

چنان که پیش از این عنوان شد منفی بودن تراز تجاری آمریکا یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ترامپ برای وضع تعرفه بر واردات است. در واقع تراز تجاری آمریکا از سال ۱۹۷۶ همواره منفی بوده است و تا پیش از بحران مالی ۲۰۰۸ به بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار نیز رسیده است. کسری تجاری آمریکا در سال ۲۰۱۷ معادل ۵۷۸,۴ میلیارد دلار بوده است. شکل ۳ روند صادرات و واردات کشور آمریکا طی ۳۰ سال اخیر را نشان می‌دهد.

۲۳۴۲,۹ میلیارد دلار از واردات آمریکا مربوط به کالاهای و مابقی مربوط به خدمات بوده است. پنج کشور چین، کانادا، مکزیک، ژاپن و آلمان مهم‌ترین صادرکنندگان کالاهای به کشور آمریکا هستند. همچنین ۱۵۴۶,۸ میلیارد دلار از صادرات آمریکا مربوط به کالاهای و مابقی مربوط به خدمات بوده است. کشورهای کانادا، مکزیک، چین، ژاپن و بریتانیا مهم‌ترین مقاصد صادراتی آمریکا محسوب می‌شوند. ۱۶,۴ درصد از کل تجارت خارجی آمریکا با کشور چین انجام و بنابراین این کشور مهم‌ترین شریک تجاری این کشور محسوب می‌شود. مجموع تجارت کالاهای میان دو کشور چین و آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود ۶۳۶ میلیارد دلار (۵۰۵,۶ میلیارد دلار صادرات چین به آمریکا و ۱۳۰,۴ میلیارد



شکل ۳- روند صادرات و واردات کشور آمریکا طی ۳۰ سال اخیر

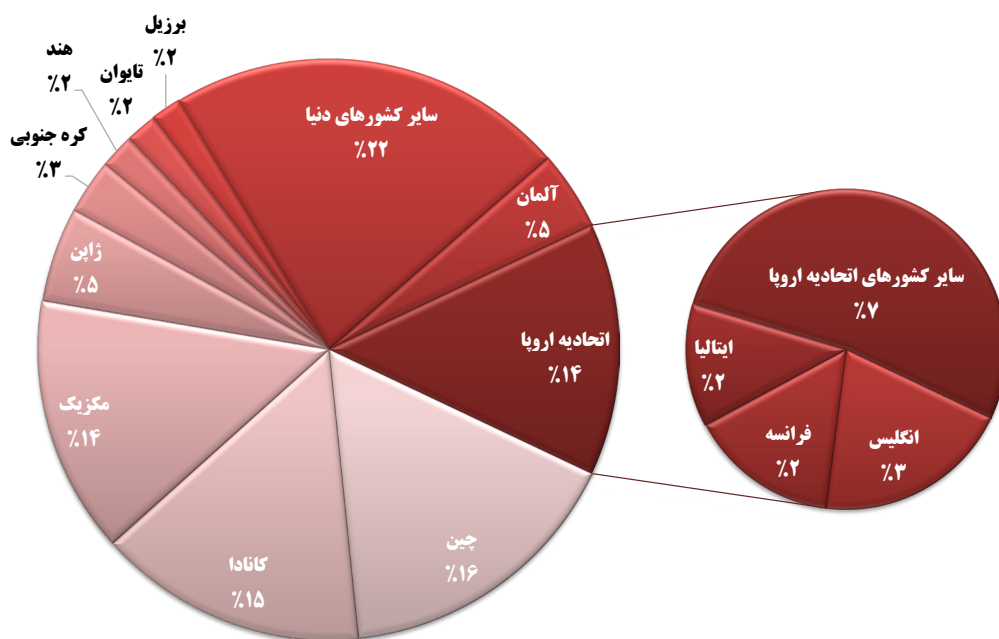
آمریکا در حال حاضر فارغ از مبدا وارداتی بر برخی محصولات خاص مانند فولاد، آلومینیوم و ماشین‌های لباسشویی تعرفه وضع کرده، مسئله‌ای که می‌تواند در آینده برای سایر کالاها نیز اتفاق بیفتد. اتومبیل با ۱۷۹,۶ میلیارد دلار، نفت خام با ۱۳۹,۱ میلیارد دلار و دستگاه‌های تلفن شامل گوشی‌های هوشمند با ۱۱۳,۱ میلیارد دلار مهم‌ترین محصولات وارداتی آمریکا محسوب می‌شوند. محصولات نفتی فرآوری شده با ۷۷,۸ میلیارد دلار، اتومبیل با ۵۳,۶ میلیارد دلار و قطعات و لوازم جانبی خودرو با ۴۴,۹ میلیارد دلار مهم‌ترین اقلام صادراتی آمریکا در سال ۲۰۱۷ بوده‌اند. شکل زیر مهم‌ترین اقلام صادراتی و وارداتی آمریکا در سال ۲۰۱۷ را نشان می‌دهد.

تجاری آمریکا محسوب می‌شوند و مجموع تجارت کشورهای عضو اتحادیه اروپا با آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود ۷۱۷,۹ میلیارد دلار بوده است که از این میزان ۴۳۴ میلیارد دلار مربوط به صادرات این اتحادیه به آمریکا و مابقی مربوط به واردات از این کشور است. در صورتی که آمریکا بر کلیه کالاهای وارداتی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تعرفه وضع نموده و این کشورها نیز مقابله به مثل کنند آنگاه ۰.۹ درصد از کل تولید ناخالص داخلی دنیا تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. شکل ۴ مهم‌ترین شرکای تجاری آمریکا در سال ۲۰۱۷ و شکل ۲ وضعیت صادرات و واردات شرکای تجاری آمریکا در سال ۲۰۱۷ را نشان می‌دهد.

ترکیب محصولات صادراتی به آمریکا و وارداتی از آمریکا نیز از دیگر مواردی است که باید مورد بررسی قرار گیرد، زیرا

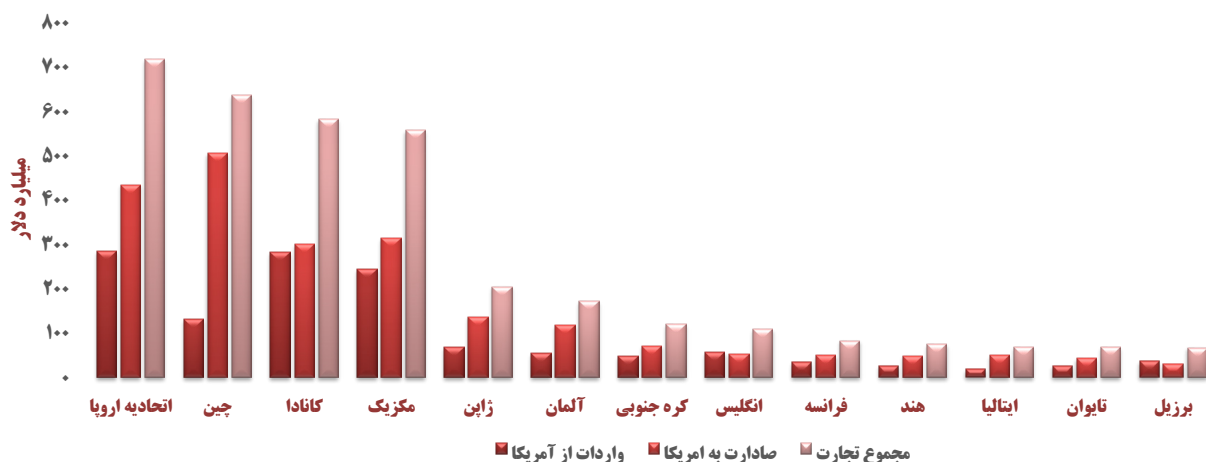
دلار مهم‌ترین مقصد صادراتی آمریکا است؛ اگرچه با توجه به صادرات ۳۰۰ میلیارد دلاری کانادا به آمریکا تراز تجاری آمریکا در برابر کانادا نیز منفی است. مکزیک با ۳۱۴ میلیارد دلار صادرات به آمریکا و با ۲۴۳ میلیارد دلار واردات از این کشور در هر دو زمینه صادرات و واردات به آمریکا در جایگاه دوم قرار دارد. بنابراین آسیب به قرارداد نفتا می‌تواند منجر به کاهش مراودات تجاری آمریکا با کانادا و مکزیک به عنوان دومین و سومین شرکای مهم تجاری آمریکا شود. در صورتی که آمریکا بر کلیه کالاهای وارداتی از کانادا و مکزیک تعرفه وضع نموده و این دو کشور در اقدامی متقابل کالاهای وارداتی از آمریکا را مشمول تعرفه کنند آنگاه ۱,۵۲ درصد از کل تولید ناخالص داخلی دنیا تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

کشورهای اروپایی نیز از مهم‌ترین شرکای



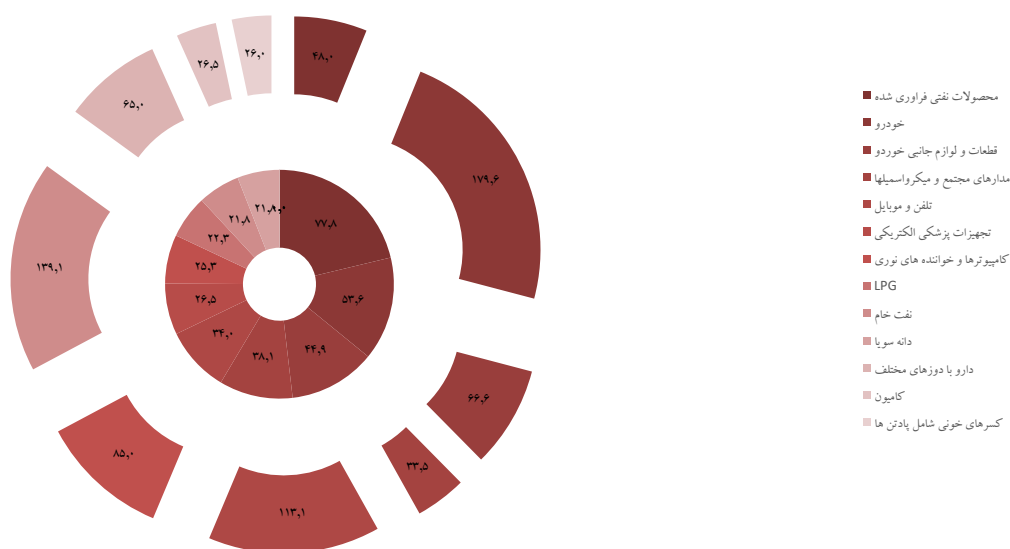
شکل ۴- مهم‌ترین شرکای تجاری آمریکا در سال ۲۰۱۷ (منبع: اداره آمار آمریکا)

<https://www.census.gov/foreign-trade/statistics/highlights/top/top1717yr.html>



شکل ۵- حجم صادرات و واردات شرکای عمده تجاری آمریکا در سال ۲۰۱۷ (منبع: اداره آمار آمریکا)

نکته حایز اهمیت آن است که هفت مورد از کالاهای عمده صادراتی آمریکا یعنی خودرو، محصولات نفتی فرآوری شده، قطعات و لوازم جانبی خودرو، مدارهای مجتمع و میکرواسمبل‌ها، تلفن و موبایل، کامپیوتر و خواننده‌های نوری و نفت خام جز کالاهای عمده وارداتی این کشور نیز هست. همچنین در ۱۰۰ قلم کالای عمده صادراتی (به ارزش ۹۴۱.۷ میلیارد دلار) و وارداتی (به ارزش ۱۶۵۷ میلیارد دلار) آمریکا ۵۸ رقم کالا مشترک هستند. ارزش کالاهای وارداتی مشترک ۱۳۱۵.۲ میلیارد دلار و ارزش کالاهای صادراتی مشترک ۷۰۸ میلیارد دلار است؛ بنابراین به رغم آنکه برخی از این کالاها به دلیل پیچیدگی‌های تخصصی قابل جانشینی نیستند اما در خصوص کالاهایی مانند نفت یا خودرو جایگزینی صادرات با واردات امکان‌پذیر و لذا بخشی از آثار جنگ تجاری بر اقتصاد آمریکا از این طریق جبران خواهد شد.



شکل ۶- مهم‌ترین اقلام صادراتی و وارداتی آمریکا در سال ۲۰۱۷ (منبع: www.worldstopexports.com)

موضوع شایان توجه دیگر اثر وضع تعرفه‌های فراگیر^{۱۳} بر آلومینیوم و فولاد است. اعمال تعرفه‌هایی در این سطح مسبوق به سابقه است و نرخ تعرفه‌های فولاد از مارس ۲۰۰۲ تا دسامبر ۲۰۰۳ (در دوره بوش پسر) بین ۸ تا ۳۰ درصد بود. نظام تعرفه‌ها در دروه بوش دوام نیاورد و ناکارایی آن به سرعت مشخص شد، با این حال تعرفه‌های کنونی کمی با تعرفه‌های پیشین متفاوت است، در واقع به رغم آنکه تعرفه‌های کنونی کمتر است اما بر گستره زیادی از کشورها اعمال شده است، برای مثال در زمان بوش کانادا و مکزیک (که بیش از ۴۰ درصد نیاز آمریکا به آلومینیوم را تامین می‌کنند) به دلیل توافق‌نامه نفتا از تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم معاف شده بودند. بنابراین بررسی اثر وضع تعرفه فراگیر بر آلومینیوم و فولاد ضروری به نظر می‌رسد.

آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰۰۲ میلیون تن فولاد خام صادر و ۳۵۰۴ میلیون تن فولاد خام وارد کرده است. این در حالی است که کل صادرات فولاد جهان در سال ۲۰۱۷ معادل ۴۶۳ میلیون تن بوده است، یعنی آمریکا صرفاً بر ۷۰۶ درصد از فولاد خام صادراتی جهان تعرفه وضع کرده است. وضع تعرفه متقابل بر فولاد از سوی کشورهای واردکننده فولاد از آمریکا تنها ۲۰۲ درصد دیگر از فولاد صادراتی دنیا را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین به رغم آنکه آمریکا بزرگترین واردکننده

فولاد خام جهان محسوب می‌شود اما تعرفه‌های آمریکا در بدترین حالت صرفاً بر ۹۰۸ درصد از تجارت جهانی فولاد و بر تنها ۲۰۹ درصد از تقاضای جهانی فولاد خام اثر گذار خواهد بود^{۱۴}.

وضعیت در خصوص آلومینیوم کمی متفاوت است. مطابق آمار اداره آمار آمریکا، از مجموع ۵۹۰۸ میلیون تن مصرف آلومینیوم اولیه در سال ۲۰۱۶ حدود ۹ درصد یعنی ۵۰۹ میلیون تن متعلق به آمریکا بوده است که نود درصد از آن از طریق واردات تامین شده است. حجم صادرات آلومینیوم اولیه آمریکا در سال ۲۰۱۶ کمتر از ۳۰۰ هزار تن بوده است. بنابراین وضع تعرفه بر آلومینیوم بر ۸ درصد از محصول آلومینیوم دنیا تاثیر می‌گذارد. بنابراین امکان متاثر شدن قیمت‌های جهانی از این محل قابل تصور است. اثرات وضع تعرفه بر آلومینیوم و فولاد به صورت دقیق‌تر در بخش ۴ مورد بررسی قرار گرفته است.

پیش از پایان این بخش بد نیست اثر تعرفه‌ها بر تورم آمریکا و آثار آن بر اقتصاد جهانی را نیز مورد واکاوی قرار دهیم. واضح است که اعمال تعرفه منجر به افزایش قیمت تمام شده محصولات و به تبع آن افزایش تورم می‌شود. کنترل تورم به عنوان مهم‌ترین هدف بانک مرکزی آمریکا منجر به افزایش تعداد دفعات و سرعت رشد نرخ بهره خواهد شد.

مسئله‌ای که هزینه استقراض را افزایش داده و باعث کاهش سرمایه‌گذاری خواهد شد. این امر اقتصاد تازه نجات یافته از بحران آمریکا را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. با این حال اینکه رشد تورم تا چه حد بالا باشد به ارزش کالاهای مشمول تعرفه بستگی دارد. بررسی اثر وضع تعرفه‌ها بر آلومینیوم و فولاد به شفاف شدن موضوع کمک شایانی خواهد کرد.

آمریکا در سال ۲۰۱۷ میلادی حدود ۶۴۰۵ میلیارد دلار آهن، فولاد و سایر مشتقات آن‌ها را وارد کرده است که معادل ۳٪ از کل واردات کالاهای تجاری این کشور در همان سال است. واردات آلومینیوم و مصنوعات آلومینیومی در سال ۲۰۱۷ برابر با ۲۲۰۷ میلیارد دلار معادل ۱ درصد از کل واردات کالاهای تجاری آمریکا بوده است. بنابراین آلومینیوم و فولاد سهمی ۴ درصدی از واردات ایالات متحده آمریکا را در اختیار دارند. فولاد و آلومینیوم سهم اندکی از شاخص قیمت وارداتی آمریکا را در اختیار دارند (به ترتیب ۲۰۸٪ و ۰۰۹٪). با این همه تغییرات قیمت زیاد این دو کالا می‌تواند شاخص قیمت کالاهای وارداتی را تحت تاثیر قرار دهد. برای مثال در سال ۲۰۰۴ افزایش قیمت آهن و فولاد نزدیک به ۰۰۸ واحد درصد در افزایش تورم شاخص قیمت وارداتی ایالات متحده آمریکا برای سال ۲۰۰۴ نسبت به سال ۲۰۰۳ سهم داشته است^{۱۵}.

۱۳. در حال حاضر کلیه کشورهای دنیا به جز آرژانتین، برزیل، استرالیا و کره جنوبی مشمول تعرفه ۲۵ درصدی بر فولاد و کلیه کشورها به جز آرژانتین و استرالیا مشمول تعرفه ۱۰ درصدی بر آلومینیوم هستند. به علاوه کشورهای برزیل و کره جنوبی که از تعرفه‌های وضع شده بر فولاد معاف شده‌اند و همچنین کشور آرژانتین که از تعرفه‌های وضع شده بر فولاد و آلومینیوم معاف شده است مشمول سهمیه‌های وادراتی هستند و مجاز به صادرات به آمریکا تا سقف معینی هستند.

۱۴. مصرف ظاهری فولاد جهان در سال ۲۰۱۷ معادل ۱۵۷۸۰۴ میلیون تن بوده است.

۱۵. تغییر قیمت عمده فولاد و آلومینیوم در آن مقطع، بیش از آنکه از ناحیه تعرفه‌های اعمال شده توسط بوش باشد از ناحیه تحریک تقاضا از سوی چین بود.



اگر بدترین حالت ممکن را در نظر بگیریم و فرض کنیم قیمت آلومینیوم و فولاد به ترتیب ۱۰ و ۲۵ درصد افزایش یابد، آنگاه شاخص قیمت کالاهای وارداتی به اندازه ۰,۷۹ واحد درصد رشد خواهد کرد. طبیعی است که این افزایش قیمت به آلومینیوم و فولاد وارداتی محدود نمی ماند و فولاد تولید داخل را نیز شامل می شود. افزایش قیمت تمام شده تولید به مصرف کننده منتقل شده و در نهایت منجر به افزایش شاخص قیمت مصرف کننده می شود. حدود دو سوم از کالاهای مصرفی آمریکا مربوط به بخش خدمات است و برای بسیاری از خدمات بیشترین هزینه نهاده، به هزینه های نیروی کار مربوط می شود. بنابراین اثر افزایش قیمت فولاد و آلومینیوم بر شاخص قیمت مصرف کننده اندک است. یک درصد افزایش در قیمت نهاده فولاد منجر به افزایش شاخص قیمت مصرف کننده به اندازه ۰,۰۱ واحد درصد می شود. این در حالی است که اثر همین مقدار افزایش در قیمت آلومینیوم روی شاخص قیمت مصرف کننده از نظر آماری بسیار ناچیز است. بنابراین مادامی که دامنه تعرفه ها گسترده نشود خطر چندان متوجه اقتصاد آمریکا و به تبع آن اقتصاد جهانی نیست.

رشد تورم و اقدامات فدرال رزرو برای کنترل آن می تواند از طریق اثرگذاری بر ارزش دلار بر اقتصاد جهانی اثرگذار باشد. رشد بی رویه قیمت ها می تواند منجر به کاهش ارزش دلار و به تبع آن رشد قیمت کامودیتی ها شود، اما واکنش فدرال رزرو به تورم و افزایش دادن نرخ بهره برای کنترل آن، می تواند به بازایی ارزش دلار و حتی جهش ارزش آن به قیمت های بالاتر منجر شود. در نهایت افزایش نرخ بهره و کاهش سطح سرمایه گذاری در آمریکا می تواند منجر به کاهش تقاضای کل اقتصاد و کاهش ارزش دلار منجر شود. اینکه این اثرات تا چه اندازه موثر باشند به میزان کالاهای مشمول تعرفه و نرخ های تعرفه بستگی دارد. این پرسش تا حد زیادی در قسمت بعد مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۲- اثر بروز یک جنگ تجاری تمام عیار

بررسی اثر بروز یک جنگ تجاری تمام عیار مستلزم پاسخ به حداقل سه پرسش اساسی است:

۱. تعرفه ها تا کجا افزایش خواهند یافت؟
۲. جنگ تجاری تا چه میزان باعث کاهش در تجارت جهانی خواهد شد؟
۳. جنگ تجاری چه اثری بر تولید ناخالص داخلی دنیا خواهد داشت؟

پیش از پاسخ به این پرسش ها تاکید می شود که منظور از جنگ تجاری وضعیتی است که در آن اقتصادهای جهان در واکنش به اقدامات آمریکا، توافق نامه ها و قوانین محدودکننده تعرفه را کنار گذاشته و به صورت یک جانبه دست به اعمال تعرفه بزنند. حال با توجه به این تعریف می توان از دو رویکرد متفاوت برای پاسخ دادن به پرسش اول استفاده کرد. رویکرد نخست مبتنی بر مدلسازی اقتصادی است. مطالعات مختلف انجام شده بر اساس این رویکرد، میزان رشد تعرفه ها را چیزی بین ۳۰ تا ۶۰ درصد تخمین می زنند، بنابراین می توان گفت مدل های اقتصادی میزان رشد تعرفه ها را به صورت متوسط چیزی در حدود ۴۵٪ تخمین می زنند.^{۱۶}

رویکرد دوم به بررسی تجارب تاریخی می پردازد. به این منظور در این روش نتایج جنگ های تجاری پیشین - در دورانی که توافق نامه های تجاری بین الملل فراگیر نشده بود- مورد بررسی قرار می گیرد. آخرین حرکت بزرگ حمایت گرایانه در تاریخ

۱۶. برای مطالعه بیشتر و بررسی منابع به پیوست ۱ رجوع کنید.

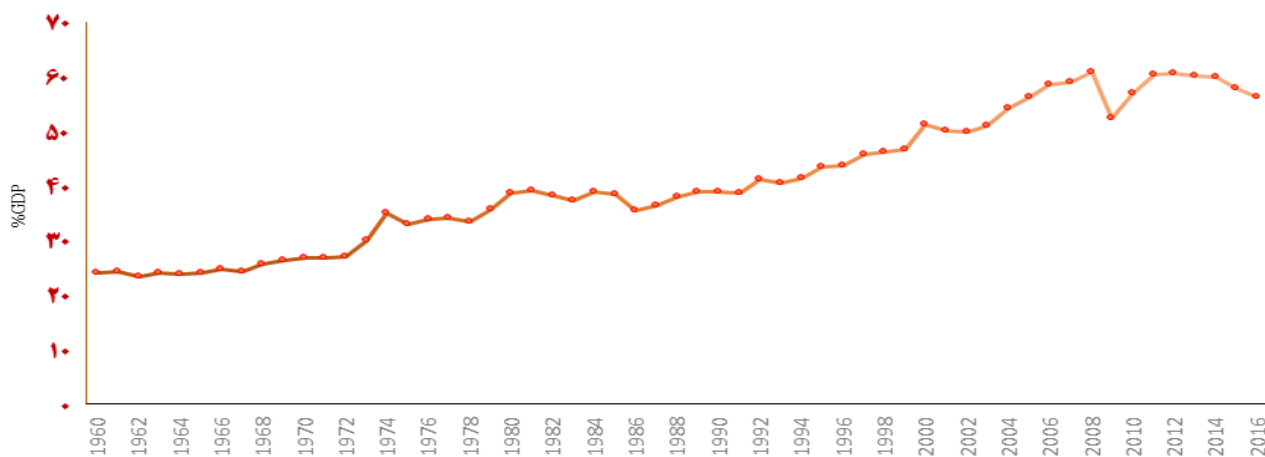
آمریکا قانون تعرفه اسموت-هاولی بود که منجر به رشد تعرفه‌های وارداتی تا سطح ۴۵٪ شد. بنابراین می‌توان گفت که هم نظریه و هم شواهد تاریخی حاکی از این هستند که جنگ تجاری می‌تواند تعرفه‌ها را به بیش از ۴۰٪ برساند.

پاسخ به پرسش دوم تا حد زیادی به حساسیت تقاضای کالاهای وارداتی نسبت به افزایش قیمت این کالاها (کشش تقاضای کالاهای وارداتی) بستگی دارد. پل کروگمن اقتصاددان برجسته برنده جایزه نوبل معتقد است در صورت وقوع یک جنگ تجاری تمام‌عیار و با فرض کشش ۳ تا ۴ درصدی تقاضای واردات، احتمالاً با کاهش ۷۰ درصدی در تجارت بین‌الملل مواجه خواهیم شد. شکل ۷ سهم تجارت جهانی (واردات به علاوه صادرات) از تولید ناخالص جهانی را از سال ۱۹۶۰ نشان می‌دهد. کاهش ۷۰

درصدی در حجم تجارت جهانی ما را به سطح تجارت در دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گرداند. پرسش سوم، مهم‌ترین پرسشی است که باید در فضای کنونی به آن پاسخ داده شود. با وجود رشد اقتصاد جهانی در دو سال اخیر، صندوق بین‌المللی پول نسبت به تهدید فزاینده حمایت‌گرایی و اثرات آن بر رشد اقتصاد جهانی، ابراز نگرانی کرده است. همچنان که مائوریس اوبستفلد -استاد اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا و اقتصاددان ارشد صندوق بین‌المللی پول- می‌نویسد: «اعمال محدودیت‌های تجاری متقابل توسط کشورها موجب کاهش اعتماد به رشد اقتصاد جهانی و محدود کردن آن پیش از رسیدن به بلوغ خود می‌شود.»

با این حال پل کروگمن معتقد است بر اساس مدل‌های ساده تجارت بین‌الملل جنگ‌های تجاری مضر و بد هستند اما

به هیچ وجه فاجعه‌بار نیستند. در واقع حداکثر زیان‌های رفاهی ناشی از جنگ تجاری با فرض رسیدن تعرفه‌ها به چهل درصد و کاهش هفتاد درصدی تجارت بین‌الملل ۲.۱٪ تولید ناخالص داخلی آمریکا خواهد بود. این عدد کوچک نیست اما خیلی بزرگ هم نیست. بحران مالی ۲۰۰۸ منجر به زیان رفاهی حدود ۷ درصدی شد، یعنی چیزی حدود ۳.۵ برابر پیش‌بینی‌ها در خصوص زیان‌های رفاهی ناشی از بروز یک جنگ تجاری تمام‌عیار میان همه کشورهای دنیا -موضوعی که تا حد زیادی دور از ذهن به نظر می‌رسد. البته باید توجه داشت که زیان‌های رفاهی ناشی از بحران مالی مقطعی بود و تا حد زیادی به واسطه تمهیدات مقداری فدرال رزرو کنترل شد، اما زیان‌های رفاهی ناشی از جنگ تجاری می‌تواند ادامه‌دار باشد.



شکل ۷- سهم تجارت جهانی (واردات به علاوه صادرات) از تولید ناخالص جهانی (منبع: بانک جهانی)

صندوق بین‌المللی پول از مدل یکپارچه مالی و پولی جهانی^{۱۹} برای شبیه‌سازی آثار جنگ تجاری استفاده کرده است. این شبیه‌سازی علاوه بر بررسی هزینه‌های مستقیم جنگ تجاری، آثار جانبی آن از جمله اثر بر اطمینان سرمایه‌گذاران برای طرح‌های سرمایه‌گذاری و چگونگی واکنش بازارهای مالی را مورد ارزیابی قرار داده است. سناریوی مورد بررسی مشتمل بر پنج لایه است:

لایه ۱: لایه اول به مواردی مربوط می‌شود که تاکنون اجرایی شده یا در شرف اجرا است. در این لایه تعرفه‌ای ده درصدی بر کل واردات آلومینیوم، تعرفه‌ای ۲۵ درصدی بر کل واردات فولاد، تعرفه‌ای ۲۵ درصدی بر ۵۰ میلیارد دلار واردات از چین، و ۱۰ درصد تعرفه (که در ادامه به ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت) بر ۲۰۰ میلیارد دلار دیگر از واردات چین به عنوان مفروضات در نظر گرفته شده است. همچنین فرض شده است کلیه شرکای تجاری آمریکا دست به اقدامات تلافی‌جویانه زده و بر صادرات کالاهای آمریکایی با ارزشی مشابه اعمال تعرفه کنند (استثناً درخصوص وضع تعرفه ده درصدی بر ۲۰۰ میلیارد دلار از کالاهای چینی، فرض شده است چین ۷ درصد تعرفه که در صورت اعمال تعرفه ۲۵ درصدی توسط آمریکا به ۱۷ درصد افزایش می‌یابد - بر ۶۰ میلیارد دلار از کالاهای آمریکایی وضع کند). فرض

شده است که تعرفه‌ها دائمی و از نیمه دوم سال ۲۰۱۸ اجرایی شوند (استثناً اثر افزایش تعرفه از ۱۰ به ۲۵ درصد برای ۲۰۰ میلیارد دلار کالای چینی در فصل چهارم ۲۰۱۸ دیده شده است).

لایه ۲: لایه دوم اثر اعمال تعرفه ۲۵ درصدی توسط آمریکا روی ۲۶۷ میلیارد دلار واردات دیگر از چین و متعاقب آن افزایش همزمان حجم کالاهای آمریکایی مشمول تعرفه واردات (حدوداً ۱۳۰ میلیارد دلار) و نرخ تعرفه‌ها تا سطح ۲۵ درصد از سوی چین را مورد بررسی قرار می‌دهد. این تعرفه‌ها دائمی بوده و از سال ۲۰۱۹ موثر خواهد بود.

لایه ۳: این لایه به بررسی اثر اعمال تعرفه ۲۵ درصدی توسط آمریکا بر واردات خودرو و قطعات خودرو (به ارزش ۳۵۰ میلیارد دلار) می‌پردازد. مجدداً در این لایه نیز فرض شده است که شرکای تجاری آمریکا نیز با وضع تعرفه بر واردات خودرو و قطعات آن از آمریکا و همچنین دیگر کالاهای تا سطحی مشابه آمریکا (یعنی ۳۵۰ میلیارد دلار) تعرفه وضع خواهند کرد. این تعرفه‌ها دائمی و از سال ۲۰۱۹ موثر خواهند بود.

لایه ۴: لایه چهارم به بررسی اثر بالقوه افزایش تنش‌های تجاری بر اطمینان و متعاقب آن طرح‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها می‌پردازد.

در این گزارش آثار عدم اطمینان بر سرمایه‌گذاری در آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس یک انحراف معیار افزایش در سنج عدم اطمینان (که حدوداً یک ششم مقداری است که در بحران جهانی ۲۰۰۸ رخ داد) منجر به کاهش یک درصدی سطح سرمایه‌گذاری در یک دوره یک ساله در آمریکا می‌شود. مطابق تخمین‌ها نیمی از این کاهش در سال ۲۰۱۸ و مابقی در سال ۲۰۱۹ اتفاق خواهد افتاد. کاهش سرمایه‌گذاری در سایر کشورها به میزان باز بودن آن‌ها بستگی دارد، بنابراین کشورهایی با اقتصاد بازتر آسیب‌پذیرتر خواهند بود.

لایه ۵: لایه آخر به بررسی تنگنای بالقوه مالی بنگاه‌ها می‌پردازد. بزرگی این تنگناها با فرض وقوع بدترین حالت جنگ میان آمریکا و چین (یعنی وضع تعرفه ۲۵ درصدی بر کل تجارت دو کشور) اندازه‌گیری شده است.

در همه مراحل فوق فرض شده است با توجه به فضای اقتصادی حاکم بر جهان، ژاپن و اتحادیه اروپا قادر به استفاده از سیاست‌های متعارف پولی برای کمک به اقتصاد کلان نیستند. در صورتی که ژاپن و اتحادیه اروپا از سیاست‌های نامتعارف پولی برای مقابله با آثار جنگ تجاری استفاده کنند کاهش‌های تخمین زده شده در دو افق کوتاه‌مدت و بلندمدت برای آنها می‌تواند تا نصف کاهش یابد. همچنین برای نتیجه‌گیری بهتر فرض شده است که بنگاه‌ها و خانوارها در کوتاه‌مدت برای

جنگ تجاری آمریکا

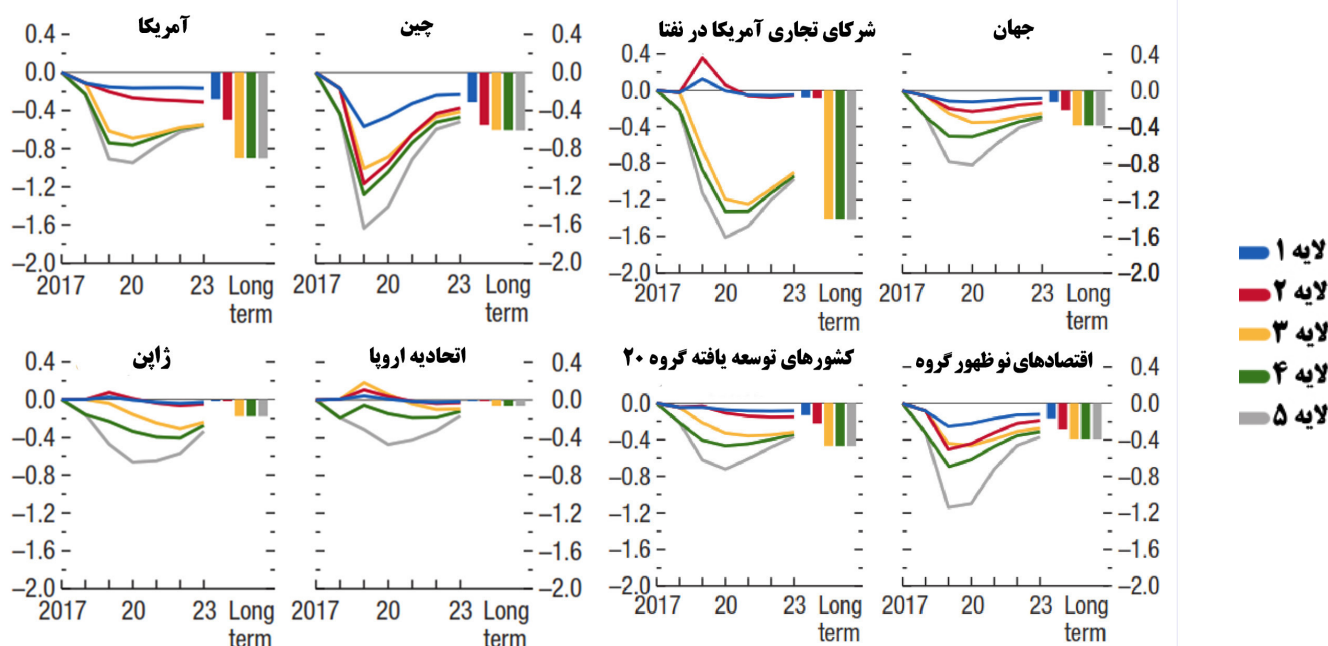
جانشینی کالاهای واسطه‌ای وارداتی خود با مشکل مواجهند (چه از منابع داخلی چه از منابع خارجی) اما امکان جانشینی در افق بلندمدت به مراتب بیشتر است.

نتایج حاصل از اعمال تعرفه‌ها برای کشورهای مختلف در هر یک از پنج لایه مطابق شکل ۸ است. توجه داشته باشید که هنگامی که اثر لایه دو دیده می‌شود اثر لایه یک نیز در دل آن نهفته است و در واقع هر لایه در سطح بالاتر آثار لایه‌های پایین‌تر را نیز در دل خود دارد. چنان که مشاهده می‌شود آثار تعرفه‌های اعمال شده تاکنون (سناریوی ۱) بسیار اندک است. در این سناریو کشورهای چین و آمریکا متحمل بیشترین هزینه‌ها می‌شوند اما مقدار آن به اندازه ۰٫۵ درصد تولید ناخالص ملی این کشورها هم نیست. در صورتی که سناریوی ۲ اجرایی شود آنگاه هزینه‌های تحمیلی به چین و آمریکا به بیش از دوبرابر سناریوی ۱

این شرایط نیز زیان‌های آمریکا به اندازه ۱ درصد تولید ناخالص ملی این کشور نیست. طبیعتاً کشورهایی که دارای حضور پررنگ در بازار خودروی آمریکا هستند (به طور خاص ژاپن و کشورهای نفتا) نیز از اعمال سناریوی سوم زیان‌های شدیدی می‌بینند. مشابه قبل در این حالت نیز برخی کشورها در کوتاه‌مدت به دلیل مشکلات جانشینی در کوتاه‌مدت از اعمال تعرفه‌ها سود می‌برند که البته آثار آن در بلندمدت محو می‌شود. اثر اعمال سناریو چهارم بر کشورهای که امکان اجرای سیاست‌های متعارف پولی را ندارند بیشتر است. همچنین سناریوی چهارم بر اقتصادهای نوظهور و چین بیشترین تأثیر را دارد.

آثار بلندمدت اجرای سناریو با لایه‌های متفاوت رو نمودار میله‌ای نشان داده شده است. در بلندمدت و با فرض اعمال هر پنج لایه، اقتصاد آمریکا ۱ درصد تولید

افزایش می‌یابد هرچند در این حالت نیز این هزینه برای آمریکا کمتر از نیم درصد تولید ناخالص ملی و برای چین کمی بیشتر از یک درصد است (توجه داشته باشید که در یک بازه ۵ ساله این آثار برای چین نیز به شدت کاهش می‌یابد). به علاوه برخی کشورها به ویژه شرکای تجاری آمریکا در نفتا در افق کوتاه‌مدت از اعمال این دو سناریو منتفع نیز می‌شوند. این مسئله از عدم توانایی خانوارها و بنگاه‌های آمریکایی و چین برای جایگزینی کالاهای وارداتی با کالاهای داخلی در کوتاه‌مدت ناشی می‌شود، بنابراین در بلندمدت که امکان جایگزین کردن این کالاها با کالاهای داخلی وجود دارد، منافع سایر کشورها نیز به مرور محو می‌شود. اعمال سناریوی سوم یعنی وضع تعرفه بر واردات خودرو و قطعات خودرو اقتصاد آمریکا را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد و سطح زیان‌ها را نسبت به دو سناریو قبل بیش از دو برابر افزایش می‌دهد، هر چند در



شکل ۸- اثر اعمال تعرفه‌های تجاری در ۵ لایه در کشورها و نواحی مختلف جهان (منبع: صندوق بین‌المللی پول)

تمام‌عیار میان کشورها دو سناریوی دیگر پیشنهاد شده است.

- ۱- ترامپ سیاست‌های حمایت‌گرانه خود را به تجارت با دیگر کشورها و سایر صنایع گسترش دهد و دست به اعمال تعرفه‌های دوجانبه در تجارت با هر کشور دیگری بزند.
- ۲- کابینه ایالت متحده آمریکا در مقابل هرگونه اقدام متقابل تلافی‌جویانه از سوی پکن برای مقابله با تعرفه‌های آمریکا دست به اقدامات جدی‌تر زده و سیاست‌های حمایت‌گرایانه جدی‌تری را اتخاذ کند.

در دو حالت اخیر که کشورها وارد جنگ تجاری می‌شوند می‌توان تصور نمود که با تشدید جنگ تجاری تمامی کشورها دست به اعمال تعرفه ۲۰ درصدی بر روی تمام کالاهای وارداتی بزنند. در این حالت کشورها و اقتصادهای بزرگ عملاً از چارچوب قوانین تجارت بین‌المللی خارج شده و مطابق با میل خود در زمینه تجارت

خواهد یافت. اگر واردات آمریکا از چین و دیگر کشورها با تولیدات داخلی آمریکا جانشین شود، آنگاه تولید ناخالص داخلی آمریکا در عرض دو سال مجموعاً ۰.۳ درصد رشد خواهد کرد.

سناریوی دوم مربوط به حالتی است که شرکای تجاری آمریکا به صورت برابر و متناسب با تعرفه‌های آمریکا اقدام به وضع تعرفه کنند. درحالی‌که گزارش‌های حاضر نشان از تمایل آمریکا و چین برای حل دیپلماتیک موضوع دارد اما واقعیت حاکی از تشدید اختلاف‌نظرها و در نتیجه تشدید اختلافات تجاری است. چراکه با وجود اعمال تعرفه‌ها توسط آمریکا چین نیز به تلافی دست به اعمال تعرفه بر روی واردات از محصولات آمریکایی زد. در این حالت همه اقتصادها از جمله ایالات متحده با زیان مواجه خواهند شد اما زیان چین نسبت به سناریوی یک کمتر خواهد بود. این دو سناریو در گزارش «مناقشه سرد» نام‌گذاری شده‌اند. برای گذار از مناقشه سرد تجاری به یک جنگ تجاری جهانی

ناخالص ملی و اقتصاد چین نیم درصد تولید ناخالص ملی کمتر از مقداری که در صورت عدم برقراری تعرفه‌ها رشد می‌کرد، رشد خواهد کرد. همچنین اثر اعمال تعرفه‌ها در بلندمدت بر اقتصاد جهان بیش از ۰.۴ درصد تولید ناخالص ملی نخواهد بود.

یکی دیگر از نهادهایی که اقدام به تحلیل اثر تعرفه‌های آمریکا بر اقتصاد جهانی کرده است گروه مالی ING است. این نهاد چهار سناریو در مورد جنگ تجاری مطرح و آثار هر یک را بر اقتصادهای بزرگ و نرخ دلار مورد مطالعه قرار داده است. در سناریوی اول چین و سایر کشورها به اعمال تعرفه‌ها از سوی آمریکا واکنش نشان نمی‌دهند و بنابراین جنگ تجاری نیز در کار نخواهد بود. در چنین حالتی آثار اقتصادی اعمال تعرفه محدود بوده و بیشترین ضربه را اقتصاد چین متحمل خواهد شد. بر اساس نتایج این پژوهش، در این حالت تولید ناخالص داخلی چین در طول دو سال مجموعاً ۰.۶ درصد کاهش



جنگ تجاری آمریکا

اثرگذاری بر بازارهای مالی		آثار اقتصادی	طرح کلی سناریو		
دلار آمریکا و بازارهای ارز جهانی	تمایل یا نگرش ریسک در سطح جهانی				
سیاست‌های حمایت‌گرانه آمریکا برای کاهش کسری تجاری منجر به تضعیف انتظارات نرخ دلار در بازارها خواهد شد.	ریسک‌پذیری ثابت: نگرش به ریسک باثبات خواهد ماند اما تهدیدات مربوط به جنگ تجاری سرمایه‌گذاران را محتاط خواهد کرد.	منفعت اقتصادی اندک برای آمریکا و ضرر معادل اقتصادی به شرکای تجاری این کشور. با در نظر گرفتن عدم تلافی، برخی از محصولات وارداتی آمریکا جایگزین خواهند شد.	تعرفه واردات فولاد (۲۵ درصد) و آلومینیوم (۱۰ درصد): نفتا، اتحادیه اروپا، برزیل، استرالیا، کره و آرژانتین معاف شدند. ایالت متحده بر روی ۶۰ میلیارد دلار از محصولات چینی تعرفه وضع می‌کند: با تأسی به بخش ۳۰۱ و ادعای سرعت مالکیت معنوی توسط چین.	ترامپ به‌تنهایی دست به اعمال تعرفه بزند بدون اینکه هیچ شریک تجاری عمده این کشور اقدام تلافی‌جویانه انجام دهند	روابط تجاری سرد
بازارهای ارز در آسیا نسبت به جنگ تجاری آمریکا و چین واکنش نشان می‌دهند. دلار استرالیا با فروش آن ارزان‌تر می‌شود و یوان چین بدون تغییر باقی می‌ماند تا کشمکش تجاری را خنثی نماید.	ریسک رکود تورمی: دارایی‌های مرتبط با تورم به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شوند. درحالی‌که شاخص‌های بازارهای جهانی سهام با نوسان‌هایی به سمت پایین حرکت می‌کنند.	با اقدامات تلافی‌جویانه شرکای تجاری آمریکا، اقتصاد آمریکا ضربه خواهد دید. اقدامات تلافی‌جویانه یکن‌عملاً چین را از آسیب‌های اقتصادی مصون خواهد داشت.	کشورهایی که در اثر تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم متأثر شدند دست به اقدام تلافی‌جویانه بزنند. چین (با استفاده از اقدامات ضد تجاری) متناسب علیه تعرفه‌های آمریکا دست به اقدام تلافی‌جویانه بزند. ایالات متحده علیه این اقدامات تلافی‌جویانه واکنشی نشان ندهد.	هر یک از اقتصادهای بزرگ دست به تعرفه‌های تلافی‌جویانه بزنند	
مبادله دلار آمریکا به علت وضعیت بدی گسترده دولت این کشور با یورو و یین ژاپن کاهش می‌یابد	ریسک گریزی بالا: تشدید جنگ تجاری منجر به ریسک گریزی بالا و فروش عمده دارایی‌های ریسکی خواهد شد.	اعمال تعرفه توسط آمریکا بر روی خودروهای وارداتی از اتحادیه اروپا، به اقتصاد این منطقه آسیب خواهد زد. بهبود وضعیت صنعت خودرو آمریکا در این حالت منجر به آسیب کمتر اقتصاد آمریکا نسبت به سناریو دوم خواهد شد.	ایالت متحده اقدامات حمایتی خود را در کشورها و بخش‌های دیگر گسترده‌تر سازد (به‌عنوان مثال بر روی خودروهای وارداتی از اتحادیه اروپا دست به اعمال تعرفه ۲۵ درصد بزند)، در مقابل اتحادیه اروپا نیز متناسب با آن اقداماتی را انجام دهد. آمریکا در واکنش به اقدام تلافی‌جویانه چین بر روی پتوهای وارداتی از چین ۲۰ درصد تعرفه وضع نماید.	ایالت متحده تعرفه‌های دوجانبه را افزایش دهد	جنگ تجاری تمام‌عیار جهانی
بازار ارز خارجی در اقتصادهای دیگر دچار کاهش مبادلات می‌شود. راند آفریقای جنوبی، روبل روسیه و رئال برزیل در مقابل ریسک گریزی گسترده جهانی تأثیر زیادی خواهند پذیرفت	نزول در اقتصاد جهانی: حرکت پایدار کاشی در شاخص‌های بازارهای جهانی سهام	آسیب عمده به اقتصاد ایالت متحده آمریکا. آسیب به اقتصادهای دیگر جهان به‌واسطه تعرفه‌های پایین بین آن‌ها کمتر خواهد بود.	ترامپ از سازمان تجارت جهانی خارج شود و تجارت جهانی را مختل سازد آمریکا بر روی تمامی اقلام وارداتی ۲۰ درصد تعرفه وضع کند طرف‌های تجاری آمریکا نیز متقابلاً بر روی تمامی اقلام وارداتی از این کشور تعرفه ۲۰ درصدی وضع کنند.	جنگ تجاری تمام‌عیار ایالات متحده با اتخاذ سیاست (No Holds Barred) در عرصه تجاری به هیچ قانونی پایبند نباشد.	

امریکا در تضاد است. همین امر باعث شده است ترامپ از ادامه روند افزایشی نرخ بهره توسط فدرال رزرو به شدت انتقاد نماید. بنابراین احتمال اینکه آمریکا دست به اقداماتی برای کاهش ارزش دلار بزند نیز وجود دارد. چین نیز به عنوان کشوری که همواره متهم به دستکاری پول ملی خود برای افزایش صادرات است به منظور حفظ سطح صادرات خود از انگیزه کافی برای کاهش ارزش یوان برخوردار است، به ویژه اگر آمریکا نیز دست به چنین اقدامی بزند. بنابراین افزایش تنش‌ها و تشدید جنگ تجاری می‌تواند انگیزه کشورها برای دستکاری پول ملی را افزایش دهد، اما باید توجه داشت که اگر همه کشورها تصمیم به چنین کاری بگیرند بازهم با جنگی مواجه خواهیم بود که هیچ برنده‌ای ندارد.

۴- اثر جنگ تجاری بر اقتصاد ایران

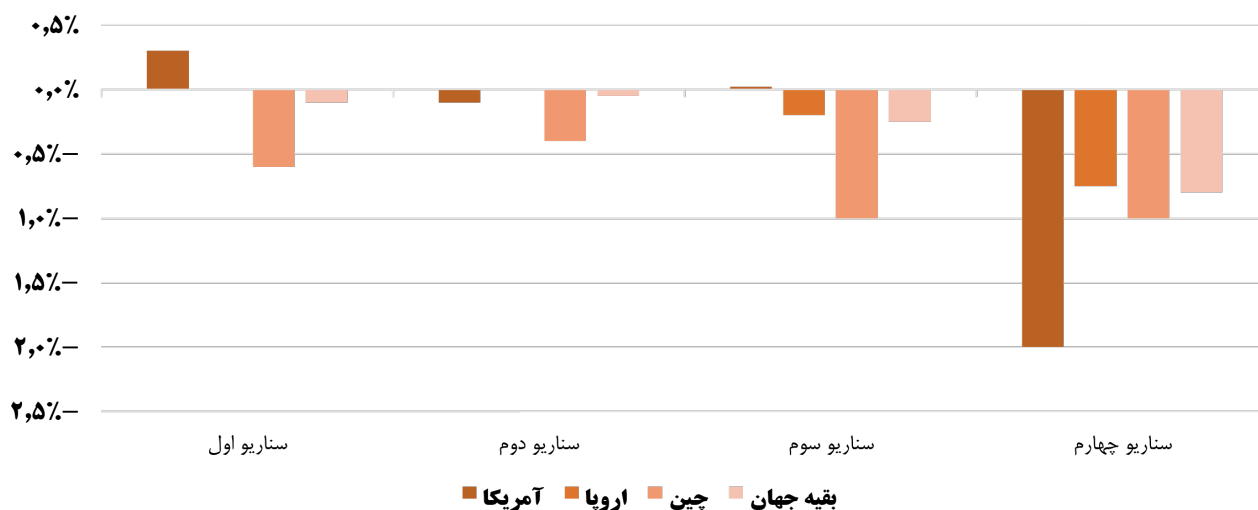
به‌رغم آنکه اقتصاد ایران با سیستم



در پایان این بخش نباید از احتمال بروز جنگ ارزی میان کشورها غافل شد. کشورها برای ارزان تمام شدن قیمت کالاهای صادراتی خود در کشور مقصد تمایل به پایین نگهداشتن نرخ برابری پول ملی خود دارند. بروز جنگ تجاری افزایش تقاضای دلار توسط سرمایه‌گذاران را به دنبال داشته است. این عامل در کنار رشد نرخ بهره آمریکا باعث تقویت شاخص دلار شده است، مسئله‌ای که تا حد زیادی با هدف ترامپ مبنی بر بهبود تراز تجاری

بین الملل عمل خواهند کرد. این گزارش پیش‌بینی می‌کند که در صورت بروز این وضعیت در اقتصاد جهانی، تولید ناخالص داخلی ایالات متحده در عرض ۲ سال مجموعاً به اندازه ۲- درصد متضرر شود چراکه صادرات ایالات متحده به هر کشور با تعرفه‌های ۲۰ درصدی مواجه خواهد شد درحالی‌که بقیه کشورهای دنیا آزادانه با یکدیگر به تجارت خواهند پرداخت. جدول خلاصه‌ای از اثرات این چهار سناریو را ارائه می‌کند.

درصد تغییر تجمعی تولید ناخالص داخلی بعد از دو سال



شکل ۹- اثر تخمینی سناریوهای مختلف بر GDP اقصادهای بزرگ جهان

اقتصادی جهان در تعامل مستقیم نیست و معمولاً بلافاصله تحت تأثیر اتفاقات جهانی مانند سقوط بورس‌های جهانی قرار نمی‌گیرد، اما فرازو فرود اقتصادهای بزرگ بین‌المللی بر قیمت محصولات صادراتی ایران مؤثر است. بنابراین در ادامه اثر اعمال تعرفه‌ها بر برخی از مهم‌ترین کالاهای صادراتی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱- نفت

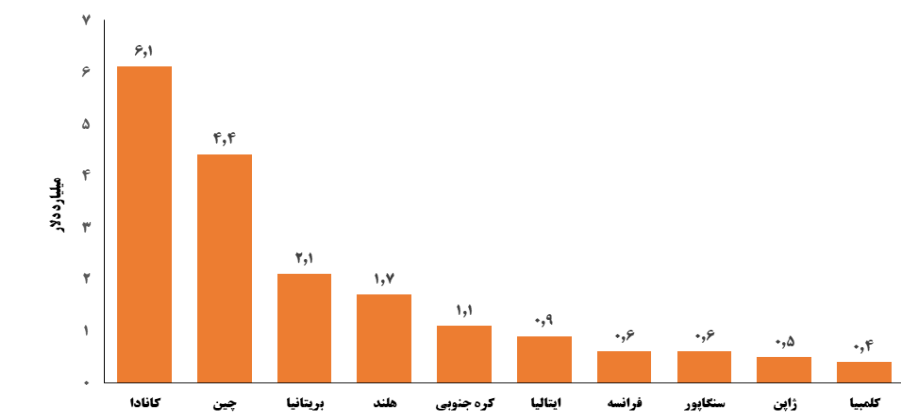
در حال حاضر بیش از ۳۰٪ از بودجه دولت ایران به نفت وابسته است و تغییرات جهانی قیمت نفت به‌صورت مستقیم بر درآمدهای دولت تأثیرگذار است. کوچک شدن اقتصاد جهانی می‌تواند به کاهش تقاضای انرژی و به تبع آن کاهش قیمت نفت منجر شود، مسئله‌ای که کسری بودجه دولت را به دنبال خواهد داشت. با این حال بودجه ایران در سال جاری با نفت ۵۵ دلاری و دلار ۳۵۵۰ تومانی به تصویب رسیده است، این در حالی است که با گذشت بیش از نیمی از سال قیمت نفت بالای ۸۰ دلار و قیمت دلار بسیار بیشتر از رقم پیش‌بینی شده در بودجه است. بنابراین به نظر نمی‌رسد از این ناحیه تهدیدی متوجه اقتصاد ایران باشد.

نکته حایز اهمیت دیگر این است که به رغم آنکه در هیچ‌یک از تعرفه‌های وضع‌شده توسط کشورهای گوناگون تعرفه‌ای بر نفت اعمال نشده است اما صادرات نفت چین از آمریکا در ماه سپتامبر به صفر رسیده است. چین در سال ۲۰۱۷ دومین واردکننده نفت از آمریکا بوده است؛ در واقع ۳۰٪ از نفت تولیدی

آمریکا در سال ۲۰۱۷ به چین صادر شده است. با این حال رقم تقریبی ۲۲۰ هزار بشکه واردات روزانه نفت چین از آمریکا فقط ۰٫۲۲٪ از کل تقاضای نفت جهان را تشکیل می‌دهد و بنابراین در صورت وضع تعرفه احتمالی از سوی چین یا ادامه توقف واردات چین از آمریکا، تقاضای این کشور توسط روسیه و کشورهای خاورمیانه تأمین خواهد شد که می‌تواند خبر خوبی برای ایران باشد کاهش ارزش دلار به واسطه بروز جنگ ارزی نیز می‌تواند به افزایش قیمت نفت منجر شود. بنابراین در مجموع می‌توان گفت جنگ تجاری دارای اثرات مثبت بر تجارت نفت ایران است.

۴-۲- فولاد

فولاد و آلومینیوم فلزاتی بودند که واردات آن از سوی آمریکا برای کلیه کشورهای دنیا مشمول تعرفه شد. آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰۰۲ میلیون تن فولاد صادر و ۳۵۰۴ میلیون تن فولاد وارد کرده است. این در حالی است که کل صادرات فولاد جهان در سال ۲۰۱۷ معادل ۴۶۳ میلیون تن بوده است، یعنی آمریکا صرفاً بر ۷٫۶



شکل ۱۰- بزرگترین واردکنندگان نفت خام از آمریکا در سال ۲۰۱۷

مشتریان مناسب برای صنعت فولاد ایران را با دشواری مواجه نماید.

۴-۳- آلومینیوم

چنان که پیش از این اشاره شد، وضع تعرفه بر آلومینیوم می‌تواند ۸ درصد محصول آلومینیوم دنیا را تحت تاثیر قرار دهد. تولید آلومینیوم آمریکا به علت پایین بودن قیمت در سال‌های اخیر به شدت افت کرده است. آلومینیوم از جمله فلزاتی است که در سال‌های اخیر به رغم رشد مناسب تقاضا به علت عرضه زیاد از سوی چین سطح قیمتی خوبی نداشته است و پس از آنکه تحت تاثیر بحران مالی سال ۲۰۰۸ از قله قیمتی ۳۲۹۱ دلاری به ازای هر تن سقوط کرد، هیچ‌گاه به سطوح قبلی باز نگشته است. قیمت آلومینیوم از اواخر سال ۲۰۱۵ روندی صعودی به خود گرفت و از ۱۴۴۰ دلار به ازای هر تن، در ابتدای سال ۲۰۱۸ به قیمت‌های بالای ۲۲۰۰ دلار نیز افزایش یافت. وضع تعرفه‌ها می‌تواند از طریق افزایش قیمت‌ها منجر به ایجاد انگیزه در تولیدکنندگان آمریکایی برای تولید و تامین نیاز داخلی آمریکا شود. این امر می‌تواند منجر به مازاد عرضه آلومینیوم در سطح جهان و کاهش قیمت‌ها شود. البته به نظر می‌رسد که آمریکا در کوتاه‌مدت قادر به تامین همه نیاز داخلی خود از طریق تولید داخلی نیست، به‌ویژه آنکه در حال حاضر حدود ۹۰ درصد از مصرف آمریکا از طریق واردات تامین می‌شود. به‌علاوه تضمینی وجود ندارد که وضع تعرفه ده درصدی منجر به رشد قیمت‌ها تا سطوح مطلوب تولیدکنندگان آمریکایی شود. در

صورتی که کاهش قیمت‌های جهانی تا حدی باشد که واردات را نسبت به تولید به صرفه کند آنگاه تولید آمریکا بدون تغییر خواهد ماند. در این حالت دو کشور کانادا و مکزیک که به ترتیب حدود ۳۶ درصد و ۴ درصد از واردات آمریکا مربوط آن‌ها است، احتمالاً بیشترین آسیب را از تعرفه‌ها خواهند دید؛ زیرا قیمت آلومینیوم صادراتی آن‌ها به آمریکا کاهش یافته و در عین حال به دلیل آنکه هزینه‌های یافتن مشتریان جدید برای این کشورها به مراتب بیشتر است امکان جایگزینی برای آن‌ها وجود ندارد. در نهایت به نظر می‌رسد به دلیل عدم وجود ظرفیت‌های خالی متناسب با نیاز آمریکا برای تامین صد درصد آلومینیوم در داخل، این سیاست اثر چندانی بر قیمت‌های جهانی آلومینیوم نداشته باشد اما باید توجه داشت که ۱۵٪ از واردات آمریکا یعنی چیزی در حدود ۸۰۰ هزار تن متعلق به چین است، این در حالی است که کل صادرات آلومینیوم ایران در سال ۲۰۱۵ حدود ۳۰۰ هزار تن بوده است. بنابراین تولیدکنندگان آلومینیوم در ایران ممکن است به علت سرازیر شدن آلومینیوم‌های تولید چین به بازار آسیب جدی ببینند.

۴-۴- سایر محصولات صادراتی

موارد پیش‌گفته در خصوص سایر محصولات صادراتی ایران مانند صنایع فلزی و معدنی، محصولات پتروشیمی و ... نیز صادق است. چنان‌که پیش‌ازین اشاره شد، اقتصاددانان و تحلیل‌گران خطر سقوط اقتصاد بین‌الملل را زیاد ندانسته و عمدتاً نگران کند شدن رشد اقتصاد جهانی هستند؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد

که تقاضای محصولات صادراتی ایران از محل کاهش تقاضای بین‌المللی تحت تأثیر قرار گیرد. هرچند نباید فراموش کرد که رفتارهای غیراصولی و بعضاً متناقض ترامپ می‌تواند باعث عدم ثبات هر چه بیشتر بازار شود. در عین حال کاهش ارزش دلار می‌تواند منجر به افزایش قیمت این کالاها و محصولات شود.

۴-۵- طلا

طلا به‌عنوان یک دارایی مطمئن، اولین گزینه سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز است، بنابراین طبیعی است که با بروز اولین نشانه‌های عدم اطمینان به آینده اقتصاد، تقاضا برای این فلز پرارزش شتاب گرفته و قیمت آن افزایش یابد. طلا برخلاف سایر کالاها به‌موازات کوچک شدن اقتصاد با افزایش تقاضا مواجه می‌شود، بنابراین در صورت سقوط شدید اقتصاد جهانی، این فلز گزینه‌ای مطمئن برای سرمایه‌گذاری است. وقوع جنگ ارزی و تمایل آمریکا به کاهش ارزش دلار نیز می‌تواند به افزایش قیمت این فلز کمک کند، با این حال طی ماه‌های اخیر ارزش دلار به دلیل افزایش تقاضا برای این ارز و همچنین افزایش نرخ بهره روندی صعودی را طی نموده است. به نظر می‌رسد آنچه در ماه‌های آتی نقشی تعیین‌کننده در قیمت جهانی طلا خواهد داشت ارزش دلار است و تشدید جنگ تجاری به تنهایی اثر چشمگیری بر قیمت جهانی طلا نداشته باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ترامپ چنان‌که در وعده‌های انتخاباتی خود قول داده بود، رویکردی حمایت‌گرانه را در پیش گرفته و تعرفه‌هایی گوناگون بر صنایع مختلف -از ماشین لباسشویی گرفته تا آلومینیوم و فولاد- وضع کرده است. کشورهای صادرکننده به آمریکا که از این تصمیم‌ها آسیب می‌بینند نیز تعرفه‌هایی متقابل را بر واردات کالاهای آمریکایی به کشور خود وضع نموده‌اند. چین به عنوان کشوری که حدود نیمی از وارداتش به آمریکا با تعرفه‌های ۲۵ درصدی مواجه شده است، بزرگ‌ترین هم‌وارد آمریکا در این جنگ تعرفه‌ای است و به همین دلیل تعرفه‌هایی مشابه بر محصولات آمریکایی وضع کرده است. آمریکا خود را در جنگی چندجانبه گرفتار کرده است، جنگی تجاری که به گفته وزیر بازرگانی چین «بزرگ‌ترین جنگ تجاری در تاریخ اقتصاد» است.

خطابه‌هایی از این دست باعث شده است رسانه‌ها نیز با آب‌وتاب بسیار دست به پوشش اخبار مربوط به جنگ تجاری بزنند. برای مثال آنا سوانسون در نشریه نیویورک تایمز می‌نویسد «پیش‌بینی می‌شود که با وارد شدن جنگ تجاری از فاز تهدید به فاز واقعیت، زنجیره تأمین جهانی

دچار نوسانات شدید شود، هزینه کسب‌وکارها و هزینه‌های مصرف‌کننده بالا رود و بازارهای اوراق بهادار در سراسر دنیا دچار آشفتگی گردند». صاحبان کسب‌وکارهای بزرگ و برخی از نمایندگان جمهوری خواه کنگره، ترامپ را مورد انتقاد قرار می‌دهند. از طرف دیگر بسیاری از آمریکایی‌هایی که از ترامپ تنفر دارند از آشفتگی اقتصادی‌ای که این سیاست ترامپ ممکن است ایجاد کند خوشحالند. در کمپین‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ هیلاری کلinton هشدار داده بود که ریاست جمهوری ترامپ باعث ایجاد جنگ تجاری خواهد شد.

با این وجود به نظر می‌رسد شرایط آنچنان که توسط رسانه‌ها تصویر می‌شود نگران‌کننده نیست. ترامپ برخی تعرفه‌های جدید را وضع می‌کند، و کشورهای خارجی نیز دست به تقابل می‌زنند و بعضی از مردم نیز زیان خواهند دید (همچنان که بعضی دیگر منتفع خواهد شد)؛ اما چنان چه پیش‌از این تحلیل شد اثرگذاری تعرفه‌ها بر اقتصاد جهانی بسیار کمتر از چیزی خواهد بود که تصور می‌شود. آمریکایی‌هایی که در صنایع مربوط به تعرفه‌ها مشغول به کار هستند قطعاً تحت تأثیر عواقب آن قرار خواهند

گرفت اما بخش عمده اقتصاد و جامعه چندان متوجه آثار این تعرفه‌ها نخواهد شد. ممکن است کشمکش‌ها افزایش یافته و اوضاع بحرانی‌تر شود اما آنچه در حال حاضر در شرف وقوع است چندان ترسناک به نظر نمی‌رسد.

مطابق تحلیل‌ها در بدترین حالت و در سناریویی کاملاً دور از تصور، تعرفه‌ها به ۷۰ درصد خواهد رسید. این وضعیت میزان مراودات تجاری بین‌المللی را تا حد زیادی کاهش خواهد داد اما در این حالت نیز تولید ناخالص ملی جهان بیش از ۲ درصد کاهش نمی‌یابد. از سوی دیگر بازارهای جهانی نیز پس از غلبه بر هراس موجود، به روند معمول خود ادامه خواهند داد و اتفاق خاصی برای آن‌ها نخواهد افتاد. گلدمن ساکس در یادداشتی عنوان کرده است که طی ۱۲ ماه آینده انتظار بازدهی ۱۲ درصدی از بازار کالاها دارد، چراکه برخلاف تصور بسیاری که انتظار دارند با شروع یک جنگ تجاری همه اقتصادها تحت تأثیر قرار بگیرند معتقد است کامودیتی‌ها چندان متأثر نخواهند شد. به عقیده تحلیل‌گران این شرکت فقط صنایعی تحت تأثیر سیاست‌های تعرفه‌ای اخیر قرار خواهند گرفت که نتوانند مصرف‌کننده دیگری در سطح



فرصتی برای خرید و انباشت است و در آینده شاهد افزایش قیمت برای همه کالاها خواهیم بود. گلدمن ساکس علت این نگرش به کامودیتی‌ها را رشد اقتصادی قوی در سطح جهان و موجودی رو به کاهش انبارها در بازارهای انرژی و فلزات عنوان می‌کند و معتقد است این عوامل سرانجام به افزایش قیمت کامودیتی‌ها منجر خواهند شد.

بین‌المللی برای کالاهای خود بیابند. در نتیجه اثرگذاری تعرفه‌ها بر کامودیتی‌ها بسیار اندک خواهد بود (تنها استثنا در این مورد سویا است که احتمالاً چین نخواهد توانست به سرعت جایگزینی برای آن بیابد). در ژوئن امسال قیمت معاملات آتی سویا به واسطه جنگ تجاری آمریکا و چین، به پایین‌ترین قیمت خود در ۹ سال اخیر رسید. با این حال، این نگرانی‌ها بیش از اندازه است و شرایط پدید آمده کنونی برای همه کالاها و حتی سویا

مراجع

- AMADEO, K. (2018a). U.S. Imports and Exports with Components and Statistics. Retrieved from <https://www.thebalance.com/u-s-imports-and-exports-components-and-statistics-3306270>
- AMADEO, K. (2018b). US Exports, Including Top Categories, Challenges, and Opportunities. Retrieved از <https://www.thebalance.com/u-s-exports-top-categories-challenges-opportunities-3306282>
- Bryson, J. H., House, S., & Vaisey, A. (2018). Steel Your Nerves : Effects of Tariffs on U . S . Inflation.
- IMF. (2018). World Economic Outlook Challenges to Steady Growth.
- ING. (2018a). A trade war between the EU and US , a lose-lose situation.
- ING. (2018b). Trade Wars : Episode 1 - The Presidential Menace.
- ING. (2018c). Unfair trade : Does President Trump have a point ?, 1–7.
- Krugman, P. (2018a). How to Lose a Trade War. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2018/07/07/opinion/how-to-lose-a-trade-war.html>
- Krugman, P. (2018b). Thinking About a Trade War (Very Wonkish). Retrieved from <https://www.nytimes.com/2018/06/17/opinion/thinking-about-a-trade-war-very-wonkish.html>
- RAPOSO, I. G. (2018). Trade Wars: what are they good for? Retrieved from <http://bruegel.org/2018/04/trade-wars-what-are-they-good-for/>
- Roberts, K. (2018). 6 Of Top 10 U.S. Imports Are Also Top 10 Exports. Retrieved from <https://www.forbes.com/sites/kenroberts/2018/02/28/six-of-top-10-u-s-imports-are-also-top-10-exports/#3dff0072edb>
- Rosyadi, S. A., & Widodo, T. (2017). Impacts of Donald Trump's Tariff Increase against China on Global Economy: Global Trade Analysis Project



(GTAP) Model.

- Schneider-petsinger, M. (2017). Trade Policy Under President Trump Implications for the US and the World.
- Steinberg, F., Analyst, S., & Elcano, R. I. (۲۰۱۸). What you need to know about Trump ' s trade war.
- Bureau of Industry and Security. (۲۰۱۸). The effect of imports of aluminum on the national security, an investigation conducted under section ۲۳۲ of the trade expansion act of ۱۹۶۲ , as amended.
- United States Top ۱۰ Exports. (۲۰۱۸). Retrieved from <http://www.worldstopexports.com/united-states-top-۱۰-exports/>
- United States Top ۱۰ Imports. (۲۰۱۸). Retrieved from <http://www.worldstopexports.com/united-states-top-۱۰-imports/>
- USGS. (۲۰۱۷). Aluminum in December ۲۰۱۷. Retrieved from <https://minerals.usgs.gov/minerals/pubs/commodity/aluminum/mis-۲۰۱۷۱۲-alumi.pdf>

پیوست ۱:

اثرات تعرفه‌ها بر اقتصاد جهانی

می‌شود که دولت‌ها به دنبال بیشینه‌سازی درآمد ملی یا درآمد ملی بر اساس یک تابع هدف با تخصیص وزن بیشتر به گروه‌های ذی‌نفع خاص (مثلاً کشاورزان) هستند. رویکرد دوم تجارب تاریخی جهان پیش از وارد شدن به توافق‌نامه‌های تجاری بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در رویکرد اول نشان داده می‌شود که اگر کشوری به اندازه‌ای بزرگ باشد که بتواند بر قیمت‌های جهانی کالاهای صادراتی یا وارداتی یا هر دو اثرگذار باشد، دارای سطح تعرفه بهینه بزرگ‌تر از صفر است زیرا این کشور می‌تواند با محدود کردن تجارت، رابطه مبادله بازرگانی (نسبت شاخص قیمت کالاهای صادراتی به شاخص قیمت کالاهای وارداتی) خود را بهبود ببخشد. باثبات سایر شرایط بهبود رابطه مبادله بازرگانی سطح درآمد حقیقی را افزایش می‌دهد. در نتیجه تجارت تعرفه‌ای بهینه با عایدات ناشی از بهبود رابطه مبادله بازرگانی هزینه‌های کاهش تجارت را پوشش می‌دهد. به عنوان مثال بهبود رابطه مبادله بازرگانی، هزینه تولید کالای داخلی را که خرید نمونه وارداتی آن با قیمت پایین‌تر میسر است جبران می‌نماید.

اما باید توجه داشت که اگر همه کشورها دست به چنین اقدامی بزنند آنگاه هزینه‌های ناشی از کاهش تجارت از طریق بهبود در رابطه مبادله جبران نخواهد شد. در این حالت ما با وضعیت «جنگ تعرفه‌ای بهینه» مواجه خواهیم بود که بیشتر به یک مسابقه تسلیحاتی شبیه است: جنگی که برنده‌ای ندارد و صرفاً به هدر رفتن منابع منجر می‌شود.

برای محاسبه آثار جنگ تعرفه‌ای بهینه به یک مدل

بخش سوم این پژوهش به بررسی اثرات تعرفه‌ها بر اقتصاد جهانی اختصاص داشت. در آنجا اشاره شد که بررسی این اثرات مستلزم پاسخگویی به سه پرسش زیر است:

الف) تعرفه‌ها تا کجا افزایش خواهند یافت؟

ب) جنگ تجاری تا چه میزان باعث کاهش در تجارت جهانی خواهد شد؟

ج) جنگ تجاری چه اثری بر تولید ناخالص داخلی دنیا خواهد داشت؟

برای اقناع خوانندگان علاقه‌مند در خصوص ادعاهای مطرح شد در بخش چهارم، سوالات فوق با نگاهی فنی‌تر در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است. شایان ذکر است که این مطالب برگرفته از مقاله پل کروگمن در نشریه نیویورک تایمز است.

الف) تعرفه‌ها تا کجا افزایش خواهند یافت؟

پیش از پاسخ به این پرسش‌ها تاکید می‌شود که منظور از جنگ تجاری وضعیتی است که در آن اقتصادهای جهان در واکنش به اقدامات آمریکا، توافق‌نامه‌ها و قوانین محدودکننده تعرفه را کنار گذاشته و به صورت یک‌جانبه دست به اعمال تعرفه بزنند. حال با توجه به این تعریف می‌توان از دو رویکرد متفاوت برای پاسخ دادن به پرسش اول استفاده کرد. رویکرد نخست مبتنی بر مدل‌سازی اقتصادی است. در رویکرد اول فرض

ب) جنگ تجاری تا چه میزان باعث کاهش در تجارت جهانی خواهد شد؟

به ازای هر نرخ تعرفه داده شده، کاهش در میزان تجارت به کشش تقاضای واردات بستگی دارد. کشش تقاضای واردات نشان می‌دهد که به ازای یک درصد افزایش در شاخص قیمت واردات، مقدار واردات تا چند درصد کاهش خواهد یافت. برآورد کردن چنین کشش‌هایی بسیار سخت است چراکه ما نمی‌توانیم همچون علوم طبیعی دست به آزمایش بزنیم. البته نوسانات نرخ ارز باعث تغییر در قیمت کالاهای وارداتی می‌شود و این امر شاید بتواند در خصوص کشش کوتاه‌مدت تابع تقاضای واردات به ما ایده بدهد، اما باید توجه داشت که کشش تقاضای واردات در بلندمدت خیلی بیشتر از کوتاه‌مدت است.

به‌رغم این موارد کشش ۳ تا ۴ درصدی تقاضای واردات موردقبول اکثر اقتصاددانان بوده و در اکثر پژوهش‌ها از همین رقم استفاده شده است؛ هرچند همچنان نمی‌توان این رقم را قطعی دانست.

اثر جنگ تجاری بر حجم تجارت به‌طور شگفت‌انگیزی به رقم دقیق کشش تقاضای واردات بستگی دارد، در صورتی که خارجی‌ها بتوانند به راحتی کالاهای آمریکایی را با کالاهای دیگر کشورهای خارجی جانشین نمایند، نرخ تعرفه بهینه پایین خواهد بود و در صورتی که قادر به این امر نباشند نرخ تعرفه بهینه بسیار بالا خواهد بود. بنابراین باید گفت که هرچه کشش تقاضای واردات بیشتر باشد نرخ تعرفه بهینه کمتر بوده و در نتیجه کاهش در سطح تجارت نیز کمتر می‌شود (و بالعکس).

پل کروگمن اقتصاددان برجسته جایزه نوبل معتقد است

تبادل عمومی قابل محاسبه (GCE) -کالیبره شده با داده‌های واقعی- نیاز است که بتواند میزان وابستگی جریان تجارت و تولید به نرخ تعرفه را به‌مانشان دهد. سپس باید با استفاده از تئوری بازی‌ها، تعادلی را پیدا کرد که در آن همه کشورهای نرخ تعرفه بهینه خود را با فرض آگاهی از اقدام طرف مقابل اعمال می‌کنند.

محاسبه این مدل و یافتن نرخ‌های تعرفه در یک جنگ تجاری تمام‌عیار به فروض و تخمین‌های بسیاری نیاز دارد، از طرفی نتایج به‌دست‌آمده به‌شدت به میزان سهولت جانشینی کالاهای یک کشور با کالاهای کشور دیگر وابسته است؛ پارامتری که تخمین آن دشوار است. با این وجود اخیراً برای محاسبه نرخ‌های تعرفه در قالب یک جنگ تجاری تلاش‌هایی صورت گرفته است. به‌عنوان مثال رالف اوسا در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید (با توجه به فروض مورد پذیرش او) که تعرفه‌ها در قالب یک جنگ تجاری به ۶۰ درصد خواهند رسید. درحالی‌که نیکیتا و همکاران، با استفاده از فروضی متفاوت از پژوهش پیشین، به این نتیجه رسیدند که نرخ تعرفه‌ها به ۳۲ درصد می‌رسد.

رویکرد اول کمی انتزاعی و فهم آن نیازمند درک اولیه از برخی مفاهیم خاص اقتصادی است. رویکرد دوم که مبتنی بر شواهد تاریخی است آسان‌تر است. آخرین حرکت بزرگ حمایت‌گرایانه در تاریخ آمریکا قانون تعرفه اسموت-هاولی بود که منجر به رشد تعرفه‌های وارداتی تا سطح ۴۵٪ شد. بنابراین می‌توان گفت که هم نظریه و هم شواهد تاریخی حاکی از این هستند که جنگ تجاری می‌تواند تعرفه‌ها را به بیش از ۴۰٪ برساند.

در صورت وقوع یک جنگ تجاری تمام‌عیار احتمالاً با کاهش ۷۰ درصدی در تجارت بین‌الملل مواجه خواهیم شد که به معنای یک پسرفت بزرگ در تجارت جهانی است. کاهش ۷۰ درصدی در حجم تجارت جهانی ما را به سطح تجارت در دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گرداند.

ج) زیان رفاهی جنگ تجاری چقدر خواهد بود؟

با وجود رشد اقتصاد جهانی در دو سال اخیر، صندوق بین‌المللی پول نسبت به تهدید فزاینده حمایت‌گرایی و اثرات آن بر رشد اقتصاد جهانی، ابراز نگرانی کرده است. همچنان که مائوریس اوبستفلد - استاد اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا و اقتصاددان ارشد صندوق بین‌المللی پول - می‌نویسد: «دورنمای اعمال محدودیت‌های تجاری متقابل توسط کشورها موجب کاهش اعتماد به رشد اقتصاد جهانی و محدود کردن آن پیش از رسیدن به بلوغ خود است».

باین حال پل کروگمن معتقد است بر اساس مدل‌های ساده تجارت بین‌الملل جنگ‌های تجاری مضر و بد هستند اما به هیچ‌وجه فاجعه‌بار نیستند. در واقع جنگ تجاری در نهایت به زیان رفاهی معادل ۲ تا ۳ درصد GDP جهانی منجر خواهد شد.

اما چرا اثرات جنگ تجاری بر تولید جهانی اندک است؟ اقتصاددانان برای مدل‌سازی تجارت بین‌الملل عموماً از مدل‌های تعادل عمومی استفاده می‌کنند که در قالب آن تعادل هم‌زمان همه بازارها مورد بررسی قرار می‌گیرد. باین حال به نظر می‌رسد برای بررسی اثر سیاست‌های تجاری استفاده از مدل‌های تعادل جزئی (به‌طور خاص مدل‌های مبتنی بر عرضه و تقاضا) بهتر باشد. به این منظور تقاضای واردات را به مثابه یک منحنی تقاضای

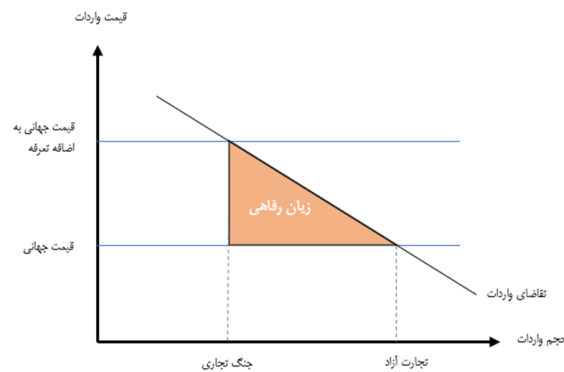
معمولی مورد بررسی قرار دهیم. فرض کنیم که تعرفه‌ها اعمال شدند و در نتیجه مازاد مصرف‌کننده دچار کاهش شد. می‌دانیم که اولین واحد کاهش در واردات زیانی برابر با صفر دارد، چراکه افراد در نقطه تعادل بین یک واحد از آن کالای وارداتی با یک واحد از تولید داخلی همان کالا بی‌تفاوت هستند، اما زیان آخرین واحد برابر با نرخ تعرفه خواهد بود، چراکه این آخرین واحد است که نشان می‌دهد مردم می‌خواهند تا چه میزان برای این کالا بپردازند. بنابراین هزینه متوسط کاهش واردات نصف تعرفه است. زمانی که اعمال تعرفه باعث افزایش قیمت کالای وارداتی و کاهش مصرف آن می‌شود، زیان رفاهی ایجاد شده تقریباً با فرمول مقابل محاسبه خواهد شد:

زیان رفاهی = میزان کاهش در واردات * نصف نرخ تعرفه

در حال حاضر ایالات متحده ۱۵ درصد از تولید ناخالص خود را صرف واردات می‌نماید. حال فرض کنیم که آمریکا با یک جنگ تجاری با تعرفه‌های ۴۰ درصدی مواجه شود و مقدار تجارت نیز ۷۰ درصد کاهش یابد. در این حالت زیان رفاهی برابر با:

$$20 \times 0.7 \times 0.15 = 2.1\%$$

یعنی با فرض تعرفه‌های ۴۰ درصدی و کاهش ۷۰ درصدی تجارت، زیان رفاهی معادل ۲.۱٪ تولید ناخالص داخلی آمریکا بود. این عدد رقم کوچکی نیست از طرفی رقم بزرگی هم نیست. اما این زیان خالص ۲.۱ درصدی که به ظاهر اندک است ما را از نکته اصلی دور می‌کند: جنگ تجاری منجر به اختلال تخصیصی خواهد شد.



شکل ۱۱- زیان رفاهی ناشی از وضع تعرفه‌ها

در حال حاضر صادرات ایالات متحده معادل ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است. هرچند کل زنجیره ارزش این اقلام صادراتی داخلی نیست و بسیاری از قطعات وارد می‌شوند اما به هر حال بخش بزرگی از اقتصاد (قریب به ۹ الی ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی)، در تولید محصولات صادراتی مشاغل هستند. حال در صورتی که جنگی تجاری به وقوع بپیوندد که به کاهش ۷۰ درصدی تجارت بین‌الملل منجر شود آنگاه قریب به ۹ الی ۱۰ میلیون نفر کارگر، باید به دنبال شغلی جدید برای خود باشند. کار به همین جا ختم نمی‌شود بلکه مشاغل خدماتی مربوط به صنایع صادراتی نیز از این محل آسیب دیده و باعث کاهش هر چه بیشتر مشاغل می‌شود.

پیوست ۲:

قانون تعرفه اسموت-هاولی

قانون تعرفه سال ۱۹۳۰ که معمولاً به عنوان تعرفه اسموت-هاولی یا تعرفه هاولی-اسموت شناخته می شود، قانونی به منظور اجرای سیاست های حمایت از تجارت بود که توسط سناتور رید اسموت و نماینده کنگره ویلیس هاولی در ۱۷ ژوئن ۱۹۳۰ امضا شد. این قانون تعرفه های ایالات متحده را در بیش از ۲۰۰۰۰ کالای وارداتی افزایش داد.

تعرفه های وضع شده توسط این قانون (که البته شامل کالاهای معاف از عوارض گمرکی نمی شدند) پس از قانون تعرفه های ۱۸۲۸ بیشترین میزان تعرفه را در تاریخ ۱۰۰ ساله آمریکا تا آن زمان دارا بود. تعرفه های اعمال شده در راستای این قانون و مقابله به مثل شرکای تجاری آمریکا عامل عمده نصف شدن صادرات و واردات در دوره رکود بزرگ بود. گرچه اقتصاددانان در مورد اینکه قانون تعرفه اسموت-هاولی رکود بزرگ را تعمیق بخشید اتفاق نظر دارند، اما در مورد اینکه این اثرگذاری تا چه میزان بود اختلاف نظرهایی وجود دارد.

تاریخچه قانونی و حامیان

در سال ۱۹۲۲، کنگره قانون تعرفه فوردنی-مک کامبر را به تصویب رسانید که منجر به افزایش تعرفه ها در واردات شد.

در گزارش نهایی کنفرانس جهانی اقتصادی جامعه ملل که در سال ۱۹۲۷ در ژنو برگزار شد، اعلام شد که «زمان آن فرا رسیده است تا به تعرفه ها پایان بخشیم و قدم در مسیر مخالف بگذاریم». بدهی های عظیم کشورها در آن دوران فقط از طریق پرداخت طلا، خدمات یا کالاهای قابل

پرداخت بود، اما تنها وسیله در دسترس برای بازپرداخت بدهی ها با توجه به گستره و مقیاس آن ها، کالاهای بودند. با این وجود بسیاری از کشورهای عضو جامعه ملل برعکس عمل کردند. این کار در سال ۱۹۲۸ و با تصویب قانون تعرفه و سهمیه بندی توسط فرانسه شروع شد.

برقرسانی که عاملی مهم در تولید انبوه بود باعث شد اقتصاد ایالت متحده آمریکا در اواخر دهه ۱۹۲۰ به بهره وری فوق العاده بالایی دست یابد. اسب ها و قاطر ها با خودروها، کامیون ها و تراکتورها جایگزین شدند. یک ششم تا یک چهارم زمین های کشاورزی که تا پیش از آن از اسب و قاطر برای کشاورزی استفاده می کردند، با بهره گیری از این پیشرفت تکنولوژیک به پیشرفت چشم گیری در تولیدات خود دست یافتند. با این وجود دستمزد اسمی و حقیقی به رغم افزایش با رشد عایدات ناشی از بهره وری و تولید همسان نبودند. در نتیجه توانایی تولید از تقاضای بازار پیشی گرفت و شرایطی را پیش آورد که به عقیده اقتصاددانان تولید بیش از حد یا مصرف کمتر از حد نامیده می شد. سناتور اسموت ادعا کرد که افزایش تعرفه بر روی کالاهای وارداتی منجر به بهبود مسئله تولید بیش از اندازه خواهد شد. با این وجود در همان زمان ایالات متحده آمریکا دارای مازاد تراز تجاری بود و به رغم بالا بودن سرعت رشد واردات محصولات صنعتی در آمریکا، سرعت رشد صادرات این محصولات در این کشور زیاده تر بود. در همین زمان صادرات محصولات غذایی آمریکا در حال کاهش بود و تراز تجاری محصولات غذایی آمریکا با کسری مواجه بود.

با قدم نهادن جهان به مرحله آغازین رکود بزرگ در اواخر سال ۱۹۲۹ هدف اصلی آمریکا حفظ مشاغل

نسخه‌ای از قانون افزایش تعرفه‌ها را تصویب نمود که در قالب آن تعرفه محصولات کشاورزی و صنعتی به‌طور مشابهی بالا می‌رفتند. سنا این قانون را تا ماه مارس ۱۹۳۰ مورد بحث و بررسی قرار داد و سرانجام لایحه را با ۴۴ رأی موافق نسبت به ۴۲ رأی مخالف به تصویب رسانید؛ در این لایحه بسیاری از سناتورهای دست به مبادله آرای خود مطابق با نفع صنایع حوزه‌های انتخاباتی شان زده بودند و در نتیجه تغییراتی در لایحه رخ داده بود. در ادامه مدتی بعد کمیته گفتگو هر دو نسخه کنگره و سنا را مورد بررسی قرار داد و سرانجام نسخه مد نظر خود را که بیشتر شبیه به نسخه ارائه شده در کنگره بود، ارائه کرد. سرانجام کنگره نسخه کمیته گفتگو را با ۲۲۲ رأی موافق (۲۰۸ جمهوری خواه به علاوه ۱۴ دموکرات) در مقابل ۱۵۳ رأی مخالف به تصویب رسانید.

مخالفان

در ماه مه سال ۱۹۳۰، نامه‌ای توسط ۱۰۲۸ اقتصاددان امضا شد که در آن از رئیس‌جمهور هوور تقاضا داشتند تا قانون کنگره را وتو کند. این نامه توسط اقتصاددانان مطرح آن زمان یعنی افرادی چون ایروینگ فیشر، پل داگلاس، فرانک گراهام، کلیر ویلکاکس نوشته شده بود. در همین زمان هنری فورد^{۱۸} که مدیرعامل شرکت خودروسازی فورد بود، با رئیس‌جمهور در کاخ سفید دیدار کرد و درحالی‌که ملاقاتش با وی یک بعد از ظهر کامل به طول انجامید، از او خواست که این «قانون احمقانه اقتصادی»

آمریکایی‌ها بود. همچنین آن‌ها به دنبال حفاظت از کشاورزی آمریکا در برابر رقبای خارجی بودند. در همین زمان رید اسموت توانست قانون افزایش تعرفه‌ها را در سال ۱۹۲۹ به تصویب برساند که بعدها «قانون تعرفه اسموت-هاولی» نامیده شد.

بعدها اسموت در کتاب خاطرات خود عنوان کرد:

«جهان در حال تلوان دادن برای تخریب زندگی و دارایی مردم در جنگ جهانی اول و ناتوانی‌اش برای تطبیق قدرت خرید با ظرفیت بهره‌وری ایجاد شده به واسطه انقلاب صنعتی در دهه پس از جنگ است.»

رید اسموت که جمهوری خواهی از ایالت یوتا بود ریاست کمیته مالی سنا را نیز بر عهده داشت. ویلیس هاولی نیز جمهوری خواه دیگری از ایالت اورگان بود که ریاست کمیته امکانات مالی مجلس نمایندگان ایالات متحده را بر عهده داشت.

یکی از شعارهای انتخاباتی هربرت هوور در زمان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۲۸، حمایت از کشاورزان آمریکا از طریق افزایش تعرفه محصولات کشاورزی بود. پیروزی هوور در انتخابات ۱۹۲۸ مقارن شده بود با دوره‌ای بود که در آن جمهوری خواهان هم‌زمان در کنگره و سنا اکثریت را دارا بودند. در همین زمان هم‌زمان از کنگره خواست تعرفه محصولات کشاورزی را بالا برده و هم‌زمان تعرفه محصولات صنعتی را کاهش دهد.

کنگره در ماه می سال ۱۹۲۹ با ۲۶۴ رأی موافق (۲۴۴ جمهوری خواه و ۲۰ دموکرات) در برابر ۱۴۷ رأی مخالف

^{۱۸} Henry Ford

مورد اینکه این قانون تا چه حد بر رکود بزرگ اثرگذاری بوده اختلاف نظرهایی وجود دارد.

بسیاری از اقتصاددانان و تاریخ‌نگاران اقتصادی فکر می‌کنند که تعرفه‌ها سهم اندکی در تشدید رکود بزرگ داشته است. در همین زمینه داگلاس ای. ایروین^{۲۲} که متخصص اقتصادی در حوزه تجارت بین‌الملل است، می‌نویسد: «بسیاری از اقتصاددانان، خواه لیبرال، خواه محافظه‌کار، در این مورد که قانون تعرفه اسموت هاولی در ایجاد رکود بزرگ و اتفاقات بعد از آن سهم بزرگی داشته باشد، تردید دارند. میلتن فریدمن^{۲۳}، اقتصاددان شهیر مکتب شیکاگو نیز بیان داشته است که در نظر او قانون تعرفه اسموت-هاولی منجر به ایجاد رکود بزرگ نشده است».

ویلیام برنشتاین^{۲۴}، نظریه‌پرداز برجسته مالی نیز می‌نویسد: «بسیاری از مورخین اقتصادی هم‌اکنون عقیده دارند که قسمت بسیاری اندکی از کاهش در تولید ناخالص جهانی و تولید ناخالص آمریکا می‌تواند به جنگ‌های تجاری [در زمان رکود بزرگ] مرتبط باشد» چراکه تجارت بین‌الملل تنها ۹ درصد از تولید جهانی را تشکیل می‌دهد، در حالی که در اثر رکود بزرگ تولید ناخالص جهانی به اندازه ۱۷ درصد کاهش داشت. به نظر وی جنگ تجاری حداکثر مسئول ۲ درصد از این کاهش تولید جهانی است و حتی در نظر وی تعرفه‌ها منجر به

را وتو کند. همچنین توماس. دابلیو لامونت^{۱۹}، مدیرعامل شرکت جی. پی. مورگان^{۲۰} نیز مصرانه از رئیس‌جمهور تقاضا داشت این قانون را وتو نماید. او حتی بعدها گفته بود که «برای اینکه هربرت هوور را مجاب به وتو کردن قانون تعرفه اسموت هاولی کنم، نزدیک بود زانو زده و به وی التماس کنم».

هوور با لایحه تعرفه اسموت هاولی مخالفت کرد و آن را «معیوب، ظالمانه و مضر» خواند چراکه تصور می‌کرد این لایحه تعهد وی برای همکاری‌های بین‌المللی را محدود می‌نماید. علی‌رغم مخالفت هوور با این لایحه وی تحت تأثیر حزب خود و افراد منتفع بخش خصوصی، این لایحه را امضا کرد. با امضای این لایحه توسط هوور و تبدیل آن به قانون، ترس‌های رئیس‌جمهور به واقعیت پیوست و کشورهای دیگر از جمله کانادا برای مقابله به مثل با اقدامات آمریکا در این قانون، تعرفه‌های خود را افزایش دادند.

فرانکلین دی. روزولت^{۲۱} در زمان کمپین انتخاباتی خود در سال ۱۹۳۲ علیه این قانون موضع گرفت و با آن مخالفت کرد.

آثار اقتصادی

اقتصاددانان به اتفاق معتقدند که قانون تعرفه اسموت-هاولی منجر به تشدید رکود بزرگ شده است با این حال در

۱۹. Thomas W. Lamont

۲۰. J. P. Morgan

۲۱. Franklin D. Roosevelt

۲۲. Douglas A. Irwin

۲۳. Milton Friedman

۲۴. William Bernstein

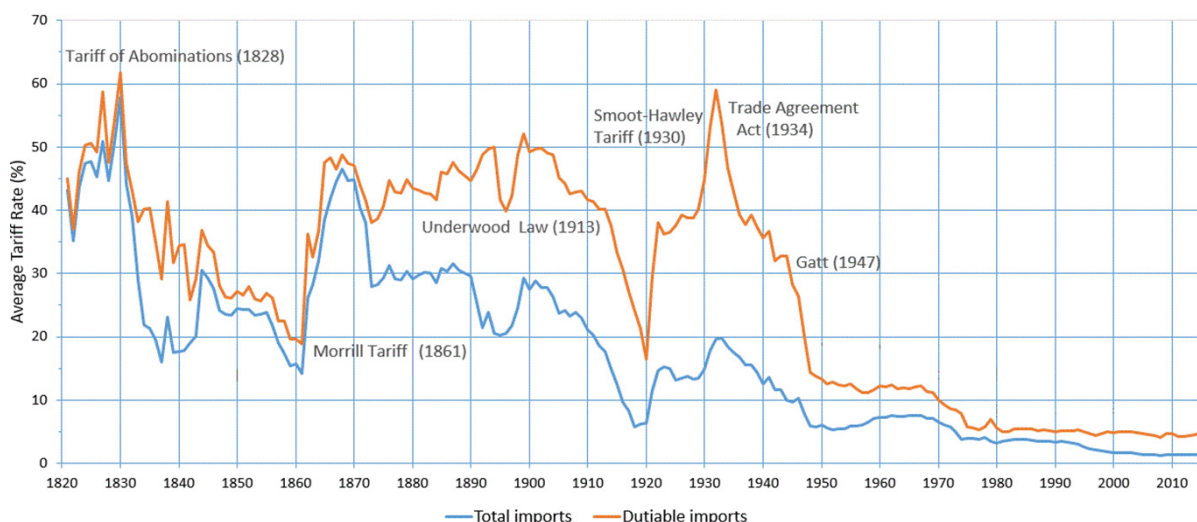
است و تقاضا را از کالاهای خارجی متوجه کالاهای داخلی می‌کند. او اشاره می‌کند که در سال ۱۹۲۹، هفت درصد تولید ناخالص ملی آمریکا را صادرات تشکیل می‌داد که تا دو سال بعد از آن یعنی ۱۹۳۱، به میزان ۱۰٫۵ درصد افت کرده بود. به عقیده او این میزان کاهش در صادرات از طریق افزایش تقاضا برای محصولات تولید داخل جبران شده بود که ناشی از افزایش تعرفه‌ها بود. او در نهایت به این نتیجه رسیده بود که اثرگذاری تعرفه‌ها بر رکود اقتصادی بسیار محدود بوده است.

مائوریس آلیس^{۲۶}، برنده جایزه نوبل، بیان می‌دارد که وضع تعرفه‌ها در مواجهه با مقرراتزدایی از رقابت در بازار جهانی نیروی کار مؤثر و مفید بوده است و در واقع

تعمیق رکود نیز نشده‌اند.

پل کروگمن، نوبلیست اقتصاد و متخصص تجارت بین‌الملل نیز بیان داشته است که «رویکرد حمایت‌گرایی، نتیجه رکود بزرگ بود و نه علت آن. افزایش تعرفه‌ها حتی در مناقشات آغازین تجاری بین کشورها، نقش چندانی نداشت... سیاست‌های حمایت‌گرایانه زمانی مسئله‌ساز شدند که منجر به جلوگیری از بهبود و ترمیم تجارت بین‌الملل پس از ترمیم تولید گشتند».

پیتر تمین^{۲۵} اقتصاددان و مورخ اقتصادی، معتقد است که سیاست اعمال تعرفه همچون سیاست تضعیف پول ملی سیاستی انبساطی بوده و برای رشد اقتصادی مناسب



شکل ۱۲- متوسط نرخ تعرفه‌ها در آمریکا از سال ۱۸۲۱ تا ۲۰۱۶

۲۵. Peter Temin

۲۶. Maurice Allais

این رهاسازی بازار اعتبار بود که منجر به بحران مالی و بانکی شده بود. او متذکر می‌شود که ایجاد موانع تجاری جدی خود ایزاری برای حمایت از تقاضای داخلی در برابر اختلالات و مضرات خارجی است. او بیان داشت که کاهش در تجارت در آمریکا در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ نه علت رکود بزرگ که معلول آن بود.

مقابله به مثل

تهدید به مقابله به مثل و اقدام تلافی‌جویانه از طرف کشورهای دیگر بسیار پیش‌تر از تبدیل لایحه تعرفه‌ها به قانون در ژوئن سال ۱۹۳۰ شروع شده بود. حتی زمانی که در ماه می سال ۱۹۲۹ کنگره لایحه را تصویب کرد کشورها و دولت‌های خارجی بدون لحاظ اینکه سنا و کمیته گفتگو در مورد لایحه چه نظری خواهند داد (چه بسا شاید تعرفه‌ها را کاهش می‌دادند) دست به افزایش تعرفه‌ها محصولات آمریکایی زدند. تا ماه سپتامبر سال ۱۹۲۹ دولت هوور از جانب کشورهای شریک تجاری خود، سیلی از نامه‌های اعتراض‌آمیز با مضمون مقابله به مثل تجاری دریافت کرده بود اما به آن‌ها اعتنایی نکرده بود.

در ماه می سال ۱۹۳۰ کشور کانادا که وفادارترین شریک تجاری آمریکا بود، در اقدامی تلافی‌جویانه بر روی ۱۶ محصول آمریکایی که دربرگیرنده ۳۰ درصد از صادرات آمریکا به کانادا بود تعرفه اعمال کرد. در همین زمان کانادا پیوندهای تجاری خود را با بریتانیا توسعه داد. فرانسه و بریتانیا نیز ضمن اعتراض به این اقدام آمریکا،

به دنبال شریک‌های تجاری جدید رفتند. در سال ۱۹۳۲ درحالی که رکود بزرگ وضعیت کارگران و کشاورزان را برخلاف وعده‌های قانون اسموت-هاولی بدتر کرده بود، هر دو نفر در انتخابات آن سال شکست خوردند و صندلی‌های خود را از دست دادند.

نرخ‌های تعرفه

در سال ۱۹۳۲ «نرخ تعرفه عوارضی»^{۲۷} ۵۹٫۱ درصد بود که پس از نرخ تعرفه عوارضی اعمال شده در سال ۱۸۳۰ که برابر با ۶۱٫۷ درصد بود، بیشترین تا آن زمان بود.

پس از اجرای تعرفه‌ها

در آغاز به نظر می‌رسید که اجرای قانون تعرفه‌های به نفع اقتصاد شده و خود حکایت از یک موفقیت اقتصادی دارد. مطابق با آنچه رابرت سوبل^{۲۸}، مورخ اقتصادی بیان می‌دارد: «حقوق کارگران کارخانه‌ای، قراردادهای ساخت‌وساز و تولید صنعتی، همگی به شدت در حال افزایش بودند.»^{۲۹} با این وجود بسیاری از مشکلات اقتصادی پشت پرده بانک‌های ضعیف و بحران زده پنهان شده بودند. زمانی که بانک اتریشی «کreditanstalt»^{۲۹} در سال ۱۹۳۱ ورشکسته شد، نقص‌های گسترده قانون تعرفه اسموت-هاولی نیز آشکار شد.

واردات آمریکا از ۴٫۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۲۹ به ۱٫۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۳۳ یعنی به اندازه ۶۶ درصد کاهش یافت. همچنین صادرات این کشور نیز به اندازه ۶۱ درصد کاهش را تجربه کرد. به عبارتی صادرات این کشور از ۵٫۴ میلیارد دلار به ۲٫۱ میلیارد دلار در فاصله زمانی

۲۷. Dutiable Tariff Rate

۲۸. Robert Sobel

۲۹. Creditanstalt

دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری و کنگره، فرانکلین روزولت و کنگره دموکرات، «قانون توافق‌نامه تجارت متقابل^{۳۰}» را در سال ۱۹۳۴ به تصویب رساندند. این قانون برای رئیس‌جمهور این امکان را فراهم می‌کرد که با موافقت اکثریت اعضای کنگره (یعنی بیش از ۵۰ درصد اعضا، برخلاف قانون پیشین که این اجازه را منوط به موافقت دوسوم اعضا می‌دانست) در مورد کاهش تعرفه‌های دوجانبه و توافق‌نامه‌های تجاری به مذاکره بپردازد. این قانون یکی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده مذاکرات تجاری در دوران پس از جنگ جهانی دوم بین آمریکا و کشورهای اروپایی بود.

آمریکایی‌ها همچنین متوجه شده بودند که مقابله به مثل کشورهای دیگر در زمینه افزایش تعرفه‌ها باعث شده بود که حجم تجارت آن‌ها در دهه ۱۹۳۰ به سرعت کاهش یابد. برای همین منظور آن‌ها در دوران پس از جنگ با شرکای تجاری خود توافق‌نامه‌های تجاری چندجانبه را پیگیری کردند تا از اتفاقاتی مشابه این در آینده جلوگیری به عمل آورند.

در همین زمینه طرفین حاضر در توافق‌نامه برتون وودز^{۳۱} که یک توافق‌نامه ارزی بود خواستار توافق‌نامه‌ای در همین ابعاد در زمینه تجارت بین‌الملل شدند. رئیس‌جمهور هری اس. ترومن^{۳۲} در همین راستا در دسامبر سال ۱۹۴۵ مذاکراتی را برای ایجاد یک «سازمان تجارت بین‌المللی^{۳۳}» شروع کرد و مدتی بعد از آن با استقبال کشورهای دیگر در سال ۱۹۴۷ «توافق‌نامه عمومی تعرفه‌ها و

۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ کاهش را تجربه کرده بود. تولید ناخالص ملی آمریکا نیز از ۱۰۳،۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۲۹ به ۷۵،۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۳۱ رسیده بود و سپس در سال ۱۹۳۳ به حداقل خود یعنی ۵۵،۶ میلیارد دلار تا آن زمان کاهش یافته بود. واردات از اروپا از ۱،۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۲۹ به عددی نزدیک به ۳۹۰ میلیون دلار در سال ۱۹۳۲ رسیده بود درحالی‌که در همین زمان صادرات ایالات متحده به اروپا از ۲،۳ میلیارد دلار به ۷۸۴ میلیون دلار کاهش یافته بود. به‌طورکلی می‌توان گفت که در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۴ تجارت جهانی نزدیک به ۶۶ درصد افت کرده بود.

همچنین زمانی که قانون اسموت-هاولی به تازگی به تصویب رسیده بود نرخ بیکاری در آمریکا به اندازه ۸ درصد بود، درحالی‌که امید این بود که این قانون بتواند بیکاری را کاهش دهد اما نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه نرخ بیکاری در سال ۱۹۳۱ به ۱۶ درصد رسید، همچنین در طی سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ این نرخ به ۲۵ درصد رسیده بود. هرچند در مورد اینکه قانون تعرفه‌ها سهم اندکی در این اتفاق داشتند توافق نظر وجود دارد ولیکن آنچه مسلم است این قانون نه تنها به کاهش بیکاری کمکی نکرد بلکه در افزایش آن نقش ایفا کرد.

پایان قانون تعرفه‌ها

در سال ۱۹۳۲ در کمپین انتخاباتی دموکرات‌ها قول داده شد که تعرفه‌ها کاهش داده شود. پس از پیروزی

۳۰. Reciprocal Trade Agreements Act

۳۱. Bretton Woods Agreement

۳۲. Harry S. Truman

۳۳. International Trade Organization (ITO)

شد. تغییرات رخ داده بر روی قانون اسموت-هاولی پس از جنگ جهانی دوم نشانگر گرایش آمریکا برای کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای خود بود، حتی با وجودی که شرکای تجاری این کشور همچنان نرخ تعرفه‌های خود را بالا نگه می‌داشتند.

تجارت^{۳۴} مطرح شد و توسط بسیاری از کشورها امضا شد، هرچند در نهایت ایالات متحده توافق‌نامه سازمان تجارت بین‌المللی را امضا نکرد. با اضافه شدن جزء «ملت کامله الوداد»^{۳۵} به قانون GATT، این قانون به‌مثابه چهارچوبی برای کاهش تدریجی تعرفه‌ها توسط کشورهای عضو برای نیمه دوم قرن بیستم به کار گرفته

۳۴. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

۳۵. Most-Favored-Nation



پیوست ۳:

قوانین پشتیبان تعرفه

رئیس‌جمهور حق دارد تا اقدامات حفاظتی ویژه‌ای از جمله وضع تعرفه یا محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای را در خصوص آن کالا اعمال کند.

ماده ۳۰۱ قانون تجارت آمریکا: این ماده قانونی به رئیس‌جمهور آمریکا اجازه می‌دهد برای مقابله با سیاست یا اقدام یک دولت خارجی که منجر به نقض یک توافقنامه تجاری بین‌المللی می‌شود یا غیرقابل توجیه، غیرمنطقی و تبعیض‌آمیز است یا باعث محدودیت تجارت آمریکا می‌شود، دست به اقدامات مقتضی بزند. در راستای همین قانون نماینده تجارت خارجی آمریکا هر ساله گزارشی در خصوص کشورهای که حقوق مالکیت معنوی آمریکا را رعایت نمی‌کنند تهیه و منتشر می‌نماید تا رئیس‌جمهور با توجه به این ماده قانونی در خصوص آن‌ها تصمیم‌گیری نماید.

- تعرفه‌های تجاری اعمال‌شده از سوی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را می‌توان ذیل سه ماده قانونی مورد بررسی قرار داد:

- ماده ۲۳۲ قانون توسعه تجارت ۱۹۶۶: بر اساس این ماده قانونی رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند به پیشنهاد وزارت تجارت در مواردی که واردات یک کالا از نظر مقدار یا شرایط خاص واردات باعث ضربه زدن به امنیت ملی آمریکا شود بر آن کالا تعرفه وضع نماید. این ماده از زمان تصویب به‌ندرت مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع نیکسون در ۱۹۷۱ و فورد در ۱۹۷۵ از این ماده قانونی برای اخذ مالیات از نفت وارداتی استفاده کرده‌اند و از زمان تأسیس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ این قانون هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است.

- ماده ۲۰۱ قانون تجارت ۱۹۷۴ آمریکا: بر اساس این ماده قانونی در صورتی که واردات یک کالا آسیبی جدی به صنعت آمریکا وارد کند،

عضوی از خانواده بزرگ گروه سرمایه گذاری خوارزمی هستیم و خوش اقبالیم که از پشتوانه اعتباری و روابط موثر حقوقی این خانواده معتبر بهره مندیم. اما خوب می دانیم که اعتبار خانوادگی برای آشنایی خوب است و برای رابطه بلندمدت باید خودمان اعتماد بسازیم و اعتبار کسب کنیم. باید خودمان را اثبات کنیم.

ما یک بانک بزرگ یا یک نهاد مالی بزرگ نیستیم. منابع مان نه چندان بزرگ است و نیروهایمان نه چندان کثیر؛ اما می دانیم از آنها چطور استفاده کنیم. کارهای بزرگ توسط آدمهای بزرگ انجام می شود نه سازمانهای بزرگ.

رقیبان پرتعدادند و ذینفعان بی نصیب. بازار پر است از بزرگان مدعی و کماکان چشم انتظار راهحلهای کارگشا. برای همه مشکلات راه حل نداریم و همه راه ها را بلد نیستیم. اما نقشه خواندن خوب می دانیم. ادعای بزرگ نداریم اما می جنگیم تا در آنچه ادعا می کنیم بهترین باشیم.

برای ماندن و بهره بردن باید بهره رساند. این تنها معامله برد برد قابل انجام است. آمده ایم که بمانیم.

شرکت سبدگردان الگوریتم

ارائه دهنده خدمات مدیریت دارائی

نجیبه خوشرو

مدیر گروه مشاور سرمایه گذاری

۰۹۱۲۹۷۴۸۰۷۱

khoshroo@algocm.com

علیرضا کنعانی

رییس هیئت مدیره

۰۹۱۲۳۰۰۹۴۳۰

kanaani@algocm.com

توفیق حسین زاده لنج آبادی

کارشناس اقتصادی

۰۹۱۰۴۰۷۰۲۶۶

hosseinzadeh@algocm.com

محمد مهدی عسگری ده آبادی

کارشناس اقتصادی

۰۹۱۲۸۱۰۷۴۲۳

asgari@algocm.com



شرکت سبدگردان الگوریتم
ALGORITHM CAPITAL

